

آزادگی ایران

ارگان آزادیخواهان ایران

۱۳۶۴ د ۵۲

آزادیخواهان ایران متحد شوید!

نیا: ۶ فراتک

درباره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران

قسمت آخر

هـ - دشمن اصلی و مواضع ضد و نقیض مجاهدین

یکی دیگر از سازمانهایی که نقش فراوانی در روی کار آمدن ر.ج. ۱۰ داشته است سازمان مجاهدین خلق میباشد. سازمان مجاهدین با وجود آنکه در شرایط کنونی یکی از نیروهای اپوزیسیون بشمار میرود، بعلمت حمایت همهجانبه خود در استقرار ر.ج. ۱۰ مانند بسیاری دیگر از نیروها، قادر نیست در باره روابط و مشکلات بیشمار موجود نظر صحیح، علنی و روشنی ارائه بقیه در صفحه ۳

وظیفه خطیر ما

ایران سرزمینی است که در طول تاریخ بسیار طولانی خود از موقعیتی خاص برخوردار بود و شرایط جغرافیایی و سوق الجیشی آن باعث شد که محاذی بین شرق و غرب، آسیا، اروپا و آفریقا را بهم متصل کند. مردم ایران در طی چندین هزار سال تاریخ پرحادثه خود شاهد کوچها، یورشها، جنگها، شکستها و پیروزیهای بیشمار بود. شاید کمتر ملتی را میتوان یافت که از چنین تجربیات، پستیها و بلندیهای فراوان برخوردار باشد. مردم ایران بعلمت همین گذشته پررنج و مشقت با ریشها به یک ملت دردمند و غمخوار بارها با آغوش بازا قوامولیتهای تحت ستم دیگر را پذیرفته و حامی بودند اما بر استی چه شد که ملتی با آنهمه سابقه متد تاریخی بسازدگی بوسیله مشتکی خائن و وطن فروش و وابسته بخارجی بزبانود آمد و نتوانست از تجربیات گذشته خسود بیا موزد و از سقوط کامل ایران جلوگیری کند؟

بقیه در صفحه ۲

ساعدی

آینه تمام نمای

روشنفکران ایران

۱- مراسم خاکسپاری ساعدی

دکتر غلامحسین ساعدی نویسنده و نمایشنامه نویس معروف و معاصر ایران در تاریخ ۲۳ نوامبر ۸ مصادف با دوم آذر ۶۴ پس از مدتی بیماری و بستری بودن در بیمارستان به علت خونریزی داخل در پاریس درگذشت. به این مناسبت بنایسه دعوت کانون نویسندگان در تبعید برنامه ای در روز جمعه ۲۹ نوامبر (هشتم آذرماه) جهت بقیه در صفحه ۶

نقش و مقاصد

موسوی خوئینیها

از انتصاب موسوی خوئینیها به سمت استاندار کل کشور بیش از ۱۰ ماه است که میگذرد. وی از بهره عناصر سرسخت جناح خط امام در درون رژیم میباشد و از هنگام انتصاب به سمت جدید نقش مهمی را در جهت مستحکم تر نمودن مواضع خط امام در ارگان قضایی ایفا نموده است. خوئینیها در طی این مدت با ایجاد جار و جنجال و ایراد سخنانیهای در سطوح وسیع، به صد و بیخشنامه ها و اطلاعاتیهای برداخته است. در اطلاعیه های مذکور وی به وجود عناصر "طاغوتی" و "فاسد" در درون دستگاه قضایی بقیه در صفحه ۱۰

۲ میلیون معتاد و

مقام اول ایران در جهان

در صفحه ۸

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران!

بقیه از صفحه ۱

وظیفه خطیر ما

اگر اسکندریا شکست در آریوش سوم توانست ایران را تسخیر کند، اگر اعراب قوای ایرانیان را در جنگهای پیاپی در رهم شکستند، اگر هنگامیکه مغولها به ایران هجوم آوردند یا مقاومت و پایداری مردم روبرو شدند، اگر ایران در جنگهای نابرابر با روسیه متزاری مجبوره عقد قرارداد های ننگینی شد که قریب به یک میلیون کیلومتر مربع از خاک کشور به امپراطوری روسیه منظم گردید، اما اینبار ایران بگونه ای دیگر تسخیر شد. اینبار ایران را بایسک لشگرکشی یا تنها جنظامی مورد حمله قرار ندادند، اینبار ایرانیان قریب سردی مذهبی خرافاتی و بغایت نادان راکه در سالهای ۴۰ مورد توجه قدرت های بزرگ سلطه گر قرار گرفته بود، را خوردند و بحمايت از زریبی پرداختند که در طول تاریخ ایران مانند نداشت. آری اینبار تسخیر ایران بدست ایرانی و شرکت و تلاش میلیونها تن ایرانی انجام پذیرفت.

ملت آلمان و ژاپن هنوز که هنوز است پس از سپری شدن ۴۰ سال از جنگ بین الملل و مهادت و وسعولیت طرفداری از هیتلر و توتو جورا برگرده خود حمل میکنند و سرفاکنده اند. ملت ایران، رهبران و روشنفکرانش نیز میبایست بار سنگین حمایت از ایجاد زریبی که دست کمی از آلمان هیتلری ندارد را بردوش کشند و به تاریخ جواب گویند. اما برآستی چرا ایران ویران شد؟ چرا ملت ایران تا این اندازه به انحطاط و سقوط کشاند مشد؟

اگر تعصب را کنار بگذاریم و چشم بر روی واقعیتها نبندیم، باید گفت که عدم وجود آزادیهای مکراتیک پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عامل اصلی روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی است. برآستی اگر مردم

ایران بابر خورداری از آگاهیه های سیاسی از نقش و خالت و ادغام دین در سیاست مطلع بودند، آیا رهبران روح ۱۰ میتوانستند مرد را با شعارهای دروغین فریب دهند؟ در واقع رژیم شاه بعلت خصلتهای ضد مکراتیک و وابستگی به بیگانه به سرکوب نیروهای مستقل، آزاد یخواه و مترقی پرداخت. در این میان سلطنت طلبان و آتشیهای که نمیخواهند واقعیتها را ببینند، آیا نمیدانند که رژیم گذشته آمریکا بر روی کار آورد و مردم ایران به این دلیل قریب آیت الله خمینی را خوردند زیرا باور کرد نمبودند که وی بدون اتکا به قدرت های بزرگ خارجی تحت لوای جمهوری اسلامی، استقلال و آزادی را در ایران برقرار خواهد کرد؟ مردم ایران در طی ۲۵ سال پس از ۲۸ مرداد بعلت سرکوب د مکراسی و آزادی با رشد فرهنگ نامانوس و منحط فارغ از موقعیت بسیار حساس و استراتژیک ایران روز بروز غیر سیاسی تر شد و باین علائقی به تحولات سیاسی منطقه وجهان مینگریستند. این امر خطرناکترین نقطه ضعفی بود که رهبران رژیم اسلامی از آن بهره ور گردیدند و نتوانستند مردم نا آگاه و بی خبر را بسوی خود جلب کنند. از سوی دیگر ملت ایران بربخورد از رهبری صحیح، علمی، مردمی و بالاتراز همه مستقلی نبود تا بتواند وی را در هنگام روبرو شدن با بحرانهای غیر قابل پیش بینی هدایت کند. در داخل و خارج از کشور عدم وجود این رهبری کاملاً محسوس بسود. هنگامیکه در سال ۵۷ دولت آمریکا ورعیس جمهور وقت آقای کارتر رژیم شاه را برانکاستن جوخفقان تحت فشار قرارداد مردم مابرای اولین بار پس از سالها فرصت یافتند بدون ترس و وحشت از ساواک، طالب آزادیهای مکراتیک گردند، رهبران حقیقی مردم کجا بودند؟ آقایانی که ادعیه سالها مبارزه در راه آزادی، مکراسی و عدالت اجتماعی را داشتند، چه کردند؟

رهبران جبهه ملی، کفدراسیون و آنهمه سازمانها و گروههای کوچک و بزرگ کجا بودند؟ خوشبختانه آقایان رهبران سالیان درازی را در کشورهای مکراتیک گذرانده و مانند مردم ایران در جوخفقان و غیر مکراتیک بسر نمیبردند تا بعلت نا آگاهی و فقر سیاسی و بی خبری به حمایت از "انقلاب اسلامی" بپردازند. اما برخی از آقایان رهبران، رام و آرام بدست بوس اما رفتند و برخی دیگر با تأیید و پشتیبانی وی کمر همت بر بستند تا تحت رهبری آیت الله خمینی رژیم جمهوری اسلامی را بر روی کار آورند.

اکنون هفت سال از گزار سلطه رژیم اسلامی بر میهن ما میگذرد و اوضاع تغییر بسیار کرده است و بسیاری از همان آقایانی که نقش فعالی در ایجاد روح داشتند، بدون کمترین برخوردی در حمایت همه جانبه از "انقلاب اسلامی" اکنون به صفا متشکل ویراکنده اپوزیسیون پیوسته اند. بطوریکه "خوشبختانه" اپوزیسیون امروز مرکب از طیف وسیعی است که از راست و وابسته تا چپ و وابسته را در خود جای داد و همگان ادعای مبارزه در راه سرنگونی روح را دارند. اما واقعیت جوخاکم و روابط درونی گروهها و سازمانهای اپوزیسیون چیست؟ باید با صراحت ابراز نمود که رهبران اپوزیسیون ایران با بردوش کشیدن سنتهای منسوخ و باز دارندهای که ریشه در گذشته دارد، مبارزات سیاسی - ایدئولوژیک خود را بر اساس روابط و زد و بند های شخصی، گروهی و فئودالی قرار دادند. بنابراین جایی برای آزادیخواهی و مکراسی باقی نماند و مشکلات بی شمار اپوزیسیون همچنان بر روی هم انباشته میشود. برخی نیز در روی اپوزیسیون به تبعیت از اسلاف خود به سرکوب نغمه های آزاد یخواهی پرداختند. تا اگر بتوانند - با بقیه در صفحه ۱۷

بقیه از صفحه ۱

درباره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران

مبارزه کنند ؟ و از طرفی آیات‌الاشها و جانفشانیهایشان ، آنان را در صورت آزاد یخواهان و نیروهای د مکرانیک قرار خواهد داد ؟ در جواب باین پرسشها باید گفت : خیر ! با وجود اینکه اپوزیسیون ناهمگون و بی رویکرد شامل کلیه نیروهای است که برای سرنگونی رژیم خمینی تلاش میکنند ، اما این امر الزاما آنان را در صنف آزاد یخواهان ایران قرار نمیدهد . زیرا همانگونه که روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی باعث نگریدید تاد مکراسی و آزاد ی در ایران حکمفرما گردید ، مبارزات نیروهای چون مجاهدین خلق بر علیه ر . ج . ا . - در صورت پیروزی - با وجود لطامات و قربانیهای فراوان موجب برقراری د مکراسی و آزاد ی در ایران نخواهد شد . میگویند : " سالی که نکوست از بهارش پیداست . " اگر مجاهدین خلق و " شورای ملی مقاومت " به قهرمانانترین مبارزات بر علیه رژیم اسلامی مبارزات و رزند و ر . ج . ا . را دشمن اصلی مردم ایران خوانند ، اما روابط ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی خود را بر اساس انحصار طلبی ها و برخورد های غیر د مکرانیک ادامه دهند و دست در بر مبارزات کلیه نیروهای که بجز رزندگان و ملت جمهوری د مکرانیک اسلامی آنها نرفته اند ، بزنند ، غیر ممکن است بتوانند کوچکترین قدمی در راه استقرار د مکراسی در ایران بردارند . آنان از هم اکنون در خارج از کشور به یک نوع د یکتاتوری مذهبی کوچک روی آورده اند . آنان در رون و بیرون تشکیلات خود به نقیص ابتدائی ترین اصول د مکرانیک پرداخته و افراد و نیروهای خود را با شیوه های منسوخ و بر ملا شد تحت کنترل شدید قرار داد و حتی هواداران خود را از بحث و گفتگو با سایر نیروهای اپوزیسیون باز داشته اند . اما برخورد های انحصار طلبانه مجاهدین خلق و شوران ملی مقاومت موجب گردیده که در رو برو شدن با مشکلات و مسایل و آزمائشهای گوناگون به موضع گیریهای ضد و نقیضی روی آور شوند . توجه خوانندگان گرامی را به یک نمونه بارز در این رابطه جلب مینمائیم :

مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت در پی د رگیریها و جنگ برادر رگشی د رکردستان بین د نیروی رزمنده یعنی حزب د مکران کردستان ایران و کومهله د اطلاعاتی مینویسند :

" شورای ملی مقاومت یکبار د یگر با ابراز تاسف عمیق ، د رگیریهای خونین و مکرر میان حزب د مکران کردستان ایران و کومهله را تقبیح و اکیداً محکوم مینماید چنین است که د رگیریهای خونین

بقیه در صفحه ۴

دهد و در حال آنان بکوشد . بدین ترتیب سازمان مجاهدین اجباراً د مسیری گامبرمیدارد که بعنوان یکی از غیر د مکرانیکترین و انحصار طلبانهترین نیروها شناخته میشود . و این امر واقعاً مایه تاسف فراوان میباشد . اما باید واقع بین بود و این حقیقت را با تمام تلخی اش پذیرفت . البته نمیتوان مانند برخی از رهبران کوتهمین و جاه طلب اپوزیسیون - در حالیکه سازمانهای عریض و طولیشان را کسان میگردانند که سوابق و مواضع مشخصی در حمایت از رژیم جمهوری اسلامی داشته اند - حکم صادر کرد و ابراز نمود : کلیه آنکسانی که در ایجاب و تثبیت رژیم اسلامی د خالقت داشته اند تا ابد محکوم میباشد . بنظر ما اگر سازمان مجاهدین - مانند هر نیروی - بخواهد د مسیر صحیح مبارزات د مکرانیک کنونی گام بردارد ، میباشد د اولین قدمه نقد صریح و روشن از خطاهای گذشته - د حمایت بی چون چرا از انقلاب اسلامی - ببرد از د . در غیر این صورت بدست خود ، خود را محکوم میکند تا با نیای تزویجی اعتنائی به گذشته چند ان د ورکوشش کند آن همه سخنرانها ، نوشته ها ، اعلامیه ها و سخنان آتشین د روصف " امام خمینی " و " انقلاب اسلامی " را بفراموشی سپارد و کلیه جزوات و آثار باقی ماند را از جلوی چشم مردم دور کرد و بیهوده ناله های بریزد و بگونه ای رفتار کند که گویا اصلاً چنین گذشته ای وجود نداشته است . یا اگر وجود داشته به توجیه آن ببرد از د .

رژیم جمهوری اسلامی حکومتی است که بر اساس فاشیسم مذهبی یعنی روابط عمیقاً ضد د مکرانیک و ضد آزاد یخواهان و ضد مردم بوجود آمده و در روند رشد و تثبیت هفت ساله هر روز پیش از گذشته نقاب از چهره و ماهیت واقعی خود برداشته است . بنابراین اگر مجاهدین خلق بخواهند با رژیم که سبیل واقعی روابط ضد د مکرانیک و ضد مردمی است بطور صحیح مبارزه کنند ، میباشد با روابط غیر د مکرانیک و انحصار طلبانه د رون سازمان خود نیز به مبارزه ای بی امان روی آور شوند و الزاماً باید به گذشته سراپا آشتیاء - آمیز د حمایت و تثبیت رژیم اسلامی برخوردی همه جانبه و جدی داشته باشند . ممکن است پرسید میشود آیا برخی از نیروهای اپوزیسیون مانند سلطنت طلبان و مجاهدین که روابط د مکرانیک را در رون تشکیلات خود نفی کرد و اطاعت کورکورانه و روابط نفوذ الی و شخصی را تجویز میکنند ، میتوانند با حفظ چنین روابطی بر علیه ر . ج . ا . بعنوان دشمن اصلی مردم ایران بطور موثر و سازنده

بقیه از صفحه ۳

درباره برخی از مسایل ...

گروهی در کردستان از یکسوتناشر عمیق و دلسری مرد مزحمتکش کرد و از سوی دیگر شادی دشمن اصلی تمام مرد مایران - یعنی دیکتاتور ارتجاعی خمینی که قیقا خواستار چنین د رگیریهائی است - را برانگیخته است. (۱) تاکید از ماست.

این موضعگیری صحیح بر راستی مسرت و خوشحالی آزادخواهان ایران را فراهم آورد. بخصوص پس از مشخص کردن دشمن اصلی - رژیم جمهوری اسلامی - به طرفین د رگیریهاتوصیه شد مباد که همه تفنگها را میبایست بسوی رژیم خمینی نشان روند. و برای جلوگیری از ادامه د رگیریهات بر روشهای مسالمت آمیز و مکراتیک روی آور گردند و به تمامی برخورد های غیرد مکراتیک خاتمه دهند. بر راستی چه عواملی موجب شد مباد که مجاهدین و شورایی ملی مقاومت در راه حل مسایل از طریق مسالمت آمیز و مکراتیک سخن بگویند؟ آیا اسلام راستین مجاهدین معجزه های آفرید مباد؟ اما متاسفانه این مسرت طولی نیاید. بطوریکه یک هفته بعد آقایان رهبری مجاهدین خلق ناگهان با " وقوع انقلاب عظیمیاید ثلوثیکی " و " انقلاب د مکراتیک نوین خلق " از دواج مقدس و پیربرکت د ر مجاهد شماره ۲۵۲ کلیه سازمانها و گروهها و نیروهای مخالف را د مطلبی تحت عنوان " جبهه نامتحد ارتجاع و ضد انقلاب ... متحدین عینسی ارتجاع حاکم ... بیاد فحش و ناسزا گرفتند و انتقادات کلیه نیروهای اپوزیسیون را " اراجیف رذیلانه و ضد انقلابی جبهه نامتحد ارتجاع و ضد انقلاب بر علیه انقلاب ایثلوثیکی مجاهدین " نامیده و د ر باره کومهله - کومهله ای که یک هفته قبل مورد نصیحتهای د مکراتیک آقایان رهبری مجاهدین قرار گرفته مباد مینویسد: " ابا طیل یک سگت (جریان پرت افتاده) عشیرتی که نام حزب کمونیست بر خود نهاد است، اما بنظر میرسد که از د رک معنی و تعریف علی " حزب " فرسنگها فاصله دارد. این جماعت تا بحال کمتر فرصتی را برای موضعگیری بر علیه مجاهدین و انقلاب د مکراتیک نوین مرد مایران د راستای منافع رژیم خمینی، از دست داد است. اما د رعین حال د عاوی انقلابی نمائی مضحك و مبتذل آن گوش فلک را کر میکند. " به توهینها و فحشهای د یگر " انقلابی " مجاهدین به یکا یک سازمانها، گروهها و نیروهای مختلف اپوزیسیون اشاره نمیکنیم. پرستی ما از آقایان رهبری مجاهدین اینست که اگر کومهله " ضد انقلابی " است چرا یک هفته پیش از " ضد انقلاب " خواسته مباد تا به روشمسای مسالمت آمیز و مکراتیک روی آورد و تفنگهایش را بسوی رژیم خمینی نشان کند؟ از نیروهای " ضد انقلابی " که نمیتوان انتظار داشت د مکرمت باشند! بر راستی شما که اعتقاد د ارید و نوشته

کومهله و سایر سازمانهای آزاد یخواه و مترقی اپوزیسیون ایران همگی " ضد انقلابی " هستند و " ضد انقلاب " مسلمان دشمن " انقلاب " است چرا به نبرد مسلحانه بر علیه آنان اقدام نمی ورزید؟ و د ر اینجا بین د نیروی " ضد انقلابی " یکی ضد انقلاب د اخل و دیگری " ضد انقلاب " اپوزیسیون که ما هیتا بقول شما بین آنان فرقی وجود ندارد، چرا از " دشمن اصلی " سخن میرانید؟

سازمان مجاهدین و شورایی ملی مقاومت د ر تنگنای تناقضات آشکار و وحیرت آوری قرار گرفته و مرز بین د ست و دشمن را مخدوش نمود هاست، بطوریکه روشنی ماهیت واقعی برخورد های ضد د مکراتیک، شعار گونه و عوام فریبانه خود را عیان نمود هاست. بدین سبب موضعگیری سازمان مجاهدین د رمورد " دشمن اصلی مرد مایران " صادقانه نیست. هر نیروی د ر صف اپوزیسیون ایران کوچکترین انتقادی به اید ثلوثی التقاطی مجاهدین و مسئله ادغام بین سیاست و روشهای سراپا غلط، شعار گونه عاریت گرفته از " انقلاب فرهنگی " چین کند، فوراً با برچسب " ضد انقلابی "، " ارتجاعی " مورد یورش آقایان رهبران مجاهدین قرار میگیرد. هدف مجاهدین و شورایی ملی مقاومت اینست که با چماق برچسب همگان را وادار کنند تا بزور هم کمشد " آلترناتیو د مکراتیک و " جمهوری د مکراتیک اسلامی " آنان را بپذیرند، یا محکوم گردند که د ر " جبهه نامتحد ارتجاع و ضد انقلاب " قرار گیرند. بیهود نیست که میگویند: " د ر تحلیل نهائی نیروهای سیاسی د رگیر د رین انقلاب، اساسا بر گرد یکی از این د محور: یا " مجاهدین " یا " رژیم خمینی " متشکل شده اند و چگونگی رابطه ها و کنش و واکنش های سیاسی هر نیرو د ر قبال این د قطب جدی ترین پارامتر برای جایگاه سیاسی آن د ر مقطع کنونی تاریخ ایران بشمار میرود. (۲)

اما با تمام این واقعیتها و انتقادات مشخصی که به مجاهدین و شورایی ملی مقاومت وارد است آیا مانند برخی از نیروهای اپوزیسیون که د رک صحیحی از مسئله دشمن اصلی ندارند میتوان گفت که آنان " ضد انقلابی " " خائن " یا " ارتجاعی " هستند؟ خیر! آزاد یخواهان ایران برخلاف رهبران سازمان مجاهدین و شورایی ملی مقاومت به این امر مبادرت نمیورزند. مجاهدین و شورایی ملی مقاومت د ر صف اپوزیسیون ایران و د ر مقابل ر.ج.ا. یعنی دشمن اصلی مرد مایران قرار دارند. اما د ر ست بهمین دلیل است که با دقت بیشتری میبایست روابط و مواضع ضد و نقیض و اشتباه آمیز آنان را مورد نقد و بررسی همه جانبه قرار داد. حال بگذارم که مجاهدین با هزارویک فحش ما و کلیه نیروهای اپوزیسیون را با برچسب ارتجاعی، ضد انقلابی، لیبرالی و اپورتو محکوم کنند.

گسترش عملیات تلافی جویانه

۳- اعلام آتش بس يك جانبیه، عقب نشینی و متنازع اکید از هنر نوع
 د رگیری و عملیات تلافی جویانه از جانب یکی از طرفهای د رگیر
 اما همانگونه که میدانیم در حالیکه در شرایط کنونی حزب د مکر
 به قبول آتش بس بد و ن قید و شرط و خاتمه جنگ تن د رند اد ه
 اجرای راه حل اول نمیتواند جا معمل بخود بیوشاند. راه حل دوم
 نیز با گسترش عملیات تلافی جویانه موجب رشد هر چه بیشتر د رگیر
 شد و با ادامه د رگیریهای انتقام جویانه روز بروز آتش جنگ شعله ور
 میگردد و نمیتوان افق يك آتش بس و ختم جنگ و اعلام مذاکرات
 آشتی جویانه را پیش بینی نمود. بنابراین تنها یک راه باقی میماند
 و آن اینکه کومهله قد م همیشه نهاد و با اعلام آتش بس يك جانبیه راه
 سوم را انتخاب کرد و در عمل به مرد م کرد ستان و سایر نقاط ایران
 نشان دهد که با وجود اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک بنا
 حزب د مکر است و شمن اصلی مرد م ایران رژیم جمه‌وری اسلامی است
 و علت مبارزها د شمن مشترک از عملیات تلافی جویانه و ایجاد
 د رگیریهای بیشتر با حزب د مکر است بکلی اجتناب خواهد کرد.
 حتی اگر این امر موجب وارد شدن لطمات و ضرباتی از جانب حزب
 د مکر است. مرد م قهرمان کرد ستان و سایر نقاط ایران
 هوشیارند و در عمل مشاهده میکنند که مسئولیت اد اما این د رگیریها
 از جانب کیست؟ در چنین شرایطی اگر کومهله باد و راند یشی
 و قاطعیت تمام هم و هم خود را متوجه جرای این امر اساسی کند
 قهرمان مبارزات آزاد یخواهان ایران خواهد شد. بخصوص در
 دوران سخت و تاریک کنونی که اپوزیسیون نا همگون و از هم گسسته
 نتوانسته است اقدامی اساسی بر علیه ج. ا. انجام دهد، این
 عمل بزرگترین خدمت را به آزاد ی ایران و مبارزات د مکر استیک خواهد
 کرد. اما اگر کومهله و یا حزب د مکر است اد اما د رگیریها - بهر
 دلیل و سببانه‌ای - بکوشند مسلمان مبارزات آزاد یخواهان در
 پیشگاه مرد م مستمید با ایران مسؤل خواهند بود و هرگونه اعتبار و
 منزلتی که تا کنون در مبارز بر علیه ج. ا. کسب کرده اند، را از
 دست خواهند داد. در واقع تاریخ هر د و نیروی عمد ه در کرد ستان
 را به آزمایش گرفته است. آیا حزب د مکر است و کومهله از بسته ایسن
 آزمایش سرنوشت ساز سربلند بیرون خواهند آمد؟ آیا برای
 آنان آزاد ی ایران و سرنوشت رژیم اسلامی در درجه اول از اهمیت
 قرار اد یا منافع گروهی و سازمانی؟

تاریخ در رسه‌های بس گرانبهای برای آزاد یخواهان ایران به
 ارمغان آورد هاست. کافی است نیمنگاهی بسیر روی اد ه‌های
 نه چند ان د وریفکنیم تا ببینیم که چگونه میتوان از مبارزات پیروز مندا
 نه
 مرد مجاهد آموخت و به جنگ براد رکشی در کرد ستان خاتمه داد.

بقیه: در باره برخی از مسائل مربوط به...

و - دشمن اصلی و د رگیریهای

حزب د مکر است و کومهله

برای ایجاد و اد اما هیک جنگ یاد رگیری وجود د و نیروی و یاد و
 حریف متخاصم ضروری و لازم است. در سراسر طول تاریخ جنگها و
 مخاصمات بین نیروهای مخالف همواره د طرف د رگیر و وجود
 داشته است و هنگامیکه از طرفین بد لا یلی - شکست د ر جنگ
 عقب نشینی د مقابل حریف قویتر و تن د اد ن به فرامات و پارو بر و
 شدن با دشمنی مشترک - از جنگ دست کشیده، د رگیریها
 متوقف شده است. جنگ براد رکشی در کرد ستان بین حزب
 د مکر است و کومهله نیز از این قاعده مستثنی نیست. مسئله
 اساسی اینست که هر د و نیروی د رگیریهای خصمانه و اد اما آن
 شرکت دارند. البته اکنون پس از سپری شدن زمان و آشکار شدن
 مواضع ایدئولوژیک - سیاسی هر د و نیروی د ربار ه این جنگ خانگی و
 عبث میتوان به ارزیابی و مقایسه اد لا نهم پرداخت. (ما در این باره
 و در شماره‌های ۱۰ و ۹ آزاد ی ایران" در مقاله "سیاستهای غلط
 و جنگ براد رکشی در کرد ستان" نظرات خود را اعلام نمودیم.)
 اما در شرایطیکه حزب د مکر است و کومهله هیچکدام حاضر
 نیستند کوچکترین تخفیفی در مواضع خود بد هند، د رگیریهای
 خونین اد اما در و رژیم جمه‌وری اسلامی از این د رگیریها
 بهترین بهره‌بردارها را میکنند. هنگامیکه حزب د مکر است
 تا کومهله و برایک نیروی اصیل و انقلابی نشناسد به هیچگونه مذاکره
 و آتش بسی تن د ر نخواهد داد و کومهله نیز ابراز مید اد، "تنها
 راه انقلابی برای خاتمه اد ن به جنگ جاری عبارتست از: شکست
 سیاستها و اهداف سیاسی ضد انقلابی حزب د مکر است از طریق
 کسب پیروزی د ر جنگ جاری". (۳) چگونه میتوان به د رگیریها
 د شمن پسندانه خاتمه اد؟ آیا میتوان با تعرض مسلحانه
 حزب د مکر است را و اد ار به قبول آتش بس و خاتمه جنگ نمود؟ بعقیده
 ما این شیوه هر خورد تنها موجب گسترش هر چه بیشتر جنگنا خوا
 د ر بین مرد م کرد ستان میگردد و اد اما آن تهدید جدی برای
 مبارزات د مکر استیک بر علیه دشمن اصلی مرد م ایران میباشد.
 بطور کلی سه راه ممکن و اجتناب ناپذیر د ر پیش روی حزب د مکر
 و کومهله وجود اد:

- ۱- آتش بس و ختم جنگ و اعلام مذاکرات صلح آمیز و آشتی جویانه
 از طرف د و نیروی د رگیر
- ۲- ادامه جنگ و رشد هر چه بیشتر د رگیریها از طریق بسط و

ساعدی آینده تمام نمای روشنفکران ایران

تذکره

نوشته "ساعدی آینده تمام نمای روشنفکران ایران" توسط دوست عزیز آقای سعید کاویانی یکی از علاقمندان نشریه "آزادی ایران" تهیه و برای ما ارسال شده است. از طرفی ما نیز مطالبی را در همین زمینه در شماره شصت و یکم آورده ایم، اما از آنجا که بطور کلی مقاله ایشان منطبق با نظریات و مواضع ماست، با تغییراتی جزئی عیناً بدین جا آورده شد.

در ضمن دوست عزیز آقای کاویانی در قسمتی از نامه خود سوالاتی را مطرح کرد و ما نیز در همین شماره از آنان در مقالات "در ضمن اصلی مردم ایران" پاسخ داده شد است و به سوالات دیگر نیز در آئینده پاسخ خواهیم داد.

هیئت تحریریه

هیئت تحریریه محترم نشریه آزادی ایران:

ضمن عرض سلام و آرزوی موفقیت برای گردانندگان آن نشریه، در همین سالگرد انتشار آزادی ایران را تبریک گفته و برایتان کامیابی و پیروزی هر چه بیشتری آرزو مندیم. چون نشریه آزادی ایران طبق روال همیشگی خود از جلسات و برنامه‌های مختلف گزارشی تهیه میکند و به چاپ نوشته‌های افراد دیگر نیز اقدام میکند، برای من نیز مقارن با درگذشت ساعدی فرصتی پیش آمد ضمن تهیه گزارشی در باره ساعدی و روشنفکران نظر خود را در این مورد بیان کنم که امیدوارم مورد استفاده قرار گیرد. بالطبع در چارچوب کلی بحث‌های موجود برای آن در نشریه تغییرات لازم انجام دهید و نشریه آزادی ایران که با درج مقاله شروشنگر

متعدد در این باره جنگ ایران و عراق، ما هیئت ادغام بین سیاست، مشخص نمودن دشمن اصلی مردم ایران که همانا رژیم جمهوری اسلامی است، بررسی از سوالاتی که در مقابل اپوزیسیون جمهوری اسلامی طرح شد مورد پاسخ گفته است، مسائل نیز وجود دارد که تاکنون مطرح نشده است که شکافته شد و با جواب داد و نهد است که از آن جمله اند:

۱- به جنبه طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی و همچنین رژیم‌هایی که باید جایگزین رژیم جمهوری اسلامی شود پرداخته نشد است.

۲- نیروهای آزادیخواه، در موکرات وطنی که برای وحدت آنها کوشش میشود که این نیروها هستند؟

۳- آیا هر نیرویی که بر علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کند میتواند متحد مادر رژیم آیند باشد؟ اگر جواب منفی است چرا در نشریه افشا سازمانهای طرفدار سلطنت و رژیم پهلوی بهای لازم داد نمی‌شود.

سعید کاویانی
۱۶/۱۲/۸۵

هدایت، ایراد شد بود، پخش میشود. سپس ایران‌شناس انگلیسی در رابطه با دکتر ساعدی و شناختی که از وی داشت، سخنانی به زبان فارسی بیان نمود. پس از آن آخرین نوشته ساعدی بنام "میرمهنا" که نیمه‌تمام ماند بود، قرائت شد. و در آخرین قسمت برنامه آقای ناصر پاکدامن، ضمن گرامی داشت خانم ساعدی مطالبی عنوان نمود و از آخرین نمایشنامه وی که بر علیه جنگ نگاه داشته شد بود در حال تمرین بود، صحبت کرد. در پایان مراسم نامگروهها، سازمانها و افراد که یکپارچه فرستاد بودند، اعلام گردید که از میان آنها میتوان از سازمان "راهکارگر" انجمن دانشجویان مسلمان خارج از کشور، فارغ التحصیلان هوادار شورای مقاومت، جبهه ملی، سازمان وحدت کمونیستی، دانشجویان ارشاد و اسامی عدوهای از نویسندگان و شاعران مانند شاملو و هوشنگ گلشیری... از ایران را نام برد. لا ز بهیاد آوری است که حزب کمونیست ایران و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت) و هواداران "سوسیالیست" و انقلاب پیامی نفرستادند. این برنامه که حدود ۶۰۰ تن در آن شرکت کردند بود، و تقریباً اکثریت طیفهای مختلفی

خاکسپاری وی در گورستان پیرلا شزیریا گردید. انجمن فرهنگ و اندیشه و سازمان "راهکارگر" نیز ضمن اطلاعیه‌ای از همگان برای شرکت در این مراسم دعوت بعمل آورد. ساعت شروع برنامه ۵/۹ صبح در مقابل بیمارستان سن آنتوان پاریس اعلام شد. تا ساعت ۵/۱۰ صبح تجمع جمعیت هر لحظه بیشتر میشد. جمعیت حاضر در ساعت (از مترو) "پارمانتیه" به سوی گورستان پیرلا شزیریا راهپیمایی پرداخت. در حدود ساعت ۱۲ راهپیمایان به قطعه ۸ گورستان پیرلا شزیریا رسیدند. در میان شرکت کنندگان در مراسم خاکسپاری چهره‌های آشنائی مانند آقایان لاهیجی، حاج سید جواد یحیی‌زاد، خانی، متین دفتری، کاظم جوی و مادر رضائی‌ها و... دید میشدند. (گفته میشد خانم ناطق نیز در بیمارستان حضور داشتند.)

پس از مراسم اولیه خاکسپاری، آقای نعمت میرزاده اطلاعیه‌هایی که انون نویسندگان را که در رابطه با فعالیت‌های فرهنگی، هنری و سیاسی وی بود، قرائت نمود. پس از آن خانم عاطفه گرگین اعلام نمود که رایسن قسمت بخشی از سخنرانی آقای ساعدی که در فروردین ماه سال ۶۲ بر مزار صاد...

در اپوزیسیون را شامل میگشت، در حدود ساعت (بعد از ظهر به پایان رسید. ضمن ابراز تاسف از درگذشت نابهنگام آقای ساعدی، ضروریست در این رابطه به ذکر نکاتی چند بهر از م. و نظر کلی خود را در این مورد ابراز نمایم. مسلماً برخورد به آقای ساعدی مستلزم بررسی همه جانبه آثار وی و همچنین روند زندگی او در رژیم گذشته در دوران قیام و سپس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی میباشد. در عین حال این

امر نمیتواند جد از برخورد اصولی به مقوله هنر و رسالت هنرمند متعهد و مترقی و نقش عنصر آگاه در جامعه باشد. ولی هدف از این نوشته، برخورد و بررسی و شکافتن این مسئله کلی نیست، بلکه فرض این است که برخلاف جریانات و گروههایی که صرفاً با یک دست دیدن و دگرگونی به بزرگ کردن ساعدی و تائید و تمجید یک جانبه از وی پرداخته و میباید از نقد و قصد بت ساختن از او بدارند، بد و مسائل شخصی و منافع گروهی و چشم و هم چشمی های رایج و زد و بند های سیاسی متداول، به قضای واقعی بینا نه و صحیح در این باره پرداخته و برخلاف جو حاضر با دیدی انتقادی اشکالات را بیان نمود.

باشد با این نظر برخورد کوتاه باب بحث و تبادل نظرات مختلف در این رابطه گشود و شود زمینه ای برای بررسی و نقد آثار وی در آید فراهم گردد.

۲- ساعدی که بود و چه کرد؟

براستی ساعدی که بود و چه کرد؟ ساعدی یکی از بنیانگذاران کانون نویسندگان ایران بود و آثار ادبی و هنری زیادی از خود باقی گذارد است. نوشته ها، تحقیقات و نمایشنامه های او در میان قشر روشنفکران و دانشجویان، خوانندگان بسیاری داشته و وی به علت مخالفت با رژیم گذشته مدتی را در زندان گذراند. در دوران قیام و چندین بار از آن همراه با کانون نویسندگان ایران مانند اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان شاعران و روشنفکران به حمایت از خمینی و رژیم جمهوری اسلامی پرداخت و " مبارزات ضد استبداد و ضد امپریالیستی " امام خمینی را مورد ستایش قرار داد. به عنوان مثال میتوان اشاره نمود در تاریخ ۲۹ بهمن ۵۷ چگونه ساعدی همراه گروهی از اعضای کانون نویسندگان به حضور خمینی رسید. در این دیدار پیام کانون نویسندگان توسط دکتر قریبها عضو هیئت دبیران

کانون قرائت شد. در آن پیام آمد بود:

" حضرت آیت الله امام خمینی برای کانون نویسندگان ایران فرصتی مغتنم است که پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به حضور آن بزرگوار به عنوان رهبر مبارزات ضد استبداد و ضد استعمار ملت ایران تبریک بگویند. ما اعتقاد داریم که مبارزات نویسندگان در جهت افشای جنایات سانسورچیان و مخالفت با عوامل اختناق فرهنگی و دفاع از آزادی اندیشه و بیان جزئی از مبارزات اصیل ملت و گام کوچکی از جانب اهل قلم در همگامی با انقلاب شکوهمند مردم ایران به زعامت آن حضرت بود. . . .

وظیفه ماست که همگام ملت آزاد بخواهیم ایران همچنان با هرگونه سانسور و اختناق فکری مبارزه میکنیم. رجای واثق داریم که در این راه از حمایت آن حضرت برخوردار خواهیم بود. اعضای کانون که در این دیدار حضور داشتند عبارتند از خانم سیمین دانشور، محمد قاضی، غلامحسین ساعدی باقری، شایسته، شیخ مصطفی زهنما، منوچهر هزارخانی، سیاوش کسری، نعمت میرزاده، جمال میرصادقی، فریدون تنگابنی، اسمعیل خوئی، محمد علی سپانلو، محسن یلفانی، جواد مجابی، بزرگ پور جعفر مختاری، فریدون فریاد اسفندیار فریاد، جلال سرافراز.

(نقل از اطلاعات ۳۰ بهمن ۱۳۵۷)
(تاکیدها از ماست)

ساعدی نمایشنامه های متعدد در راز خود بیادگار گذارد است. فیلم " گاو " که بر اساس نمایشنامه " عزاداران بیل " در رژیم سابق ساخته شد در رژیم جمهوری اسلامی از جانب خمینی و بسیاری از مقامات رژیم مورد تائید و استقبال قرار گرفت بطوریکه ضمن نمایش این فیلم از تلویزیون جمهوری اسلامی، در مساجد و مدارس آنرا به مراتب نمایش دادند.

ساعدی پس از اوج گیری و شدت یافتن

دستگیریها و اعدامها به خارج از کشور آمد و در فرانسه پناهنده سیاسی شد و پس از مدتی همراهی چند بهایجاد کانون نویسندگان در تبعید پرداخت. در پاریس ساعدی با همکاری عدای دیگر نویسندگان و دوستانش ۵ شماره از کتاب " الفبا " را منتشر نمود. وی همچنین به همکاری با سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت پرداخت. آخرین نوشته وی مطلقاً است تحت عنوان " پناهندگی سیاسی چیست؟ " که در شماره ۱۲ " شورا " درج گردید. آخرین نمایشنامه ای که از او بر روی صحنه آمد، " اتللو در سرزمین عجایب " نام داشت که در مراسم عید نوروز در پاریس به نمایش درآمد.

۳- مرگ ساعدی و انعکاس آن

در آشفته بازار کنونی، در گذشت ساعدی وسیله ای شده و فرصتی را مهیا نمود. بسیاری از مدعیان آزاد یخواهی و دموکراسی و آنان که همواره سنگ هنر مردمی و مترقی را به سینه میزنند به جنب و جوش بیافتند و در سطح وسیعی در داخل ایران (و خارج از کشور از راست و ایستاده تا چپ و ایستاده رجعت یاب بود و بزرگداشت وی به مداحی پرداختند و ایثار وجود نمایند. بر راستی چه عاملی باعث شد داشت کینه جریانات سیاسی مختلفی مانند جبهه نجات، ایران و جهان، کیمیا، چاپ لندن، قیام ایران، جبهه ملی، دفتر هماهنگی جامعه های حقوق بشر، مجاهدین خلق، انقلاب اسلامی، دانشجویان ارشد، وحدت کمونیستی، راه کارگرو اکثریت از وی تجلیل نمایند؟ در شرایط کنونی بسیاری از سازمانهای سیاسی، روشنفکران و نویسندگان که خود در روی کار آوردن رژیم جمهوری اسلامی مقصود بود هاند، میخواهند با فرار از واقعیت و پنهان شدن در پشت نامساعدی، گذشته بقیه در صفحه ۲۰

۲ میلیون معتاد و مقام اول ایران در جهان

مساله اعتیاد و گرایش روزافزون جوانان به مواد مخدر یکی از انبوه مشکلات جامعه کنونی ایران میباشد. کمتر روزی است که در مطبوعات رژیم جمهوری اسلامی خبری از دستگیری واعدام قاچاقچیان مواد مخدر و یا اعزام معتادین به جزیره معتادین و کشف هروئین و تریاک در رج نشود. بنا بر اظهارات علی اکبر مصطفی معاون شهرداری رژیم، ما مورین شهرداری در ۶ سال اخیر حسد و ۸ تن هروئین و تریاک و ۱۰ تن حشیش کشف کردیم. ۸۰ هزار قاچاقچی را دستگیر نموده اند. رژیم جمهوری اسلامی در چند سال اخیر جابجایی های فراوانی در رابطه با مبارزه با اعتیاد برآوردند. اما علیرغم ادعاهای رژیم در این مورد وجود مواد مخدر در ایران فراوان و خرید و فروش آن بیسمن جوانان بسیار چشمگیر میباشد و هر ساله بر تعداد معتادان افزوده میشود. در حقیقت بانگاهی به آثار معتادین به مواد مخدر در کشور پوچی ادعاهای رژیم بیان میگردد. طبق آمارهای که از سوی سازمانهای بین المللی اعلام شده، ایران بیشترین تعداد معتادین به مواد مخدر را نسبت به کل جمعیت در جهان دارا میباشد. هم اکنون تعداد معتادین در سراسر ایران در حدود ۲ میلیون برآورد گردیده است که این تعداد حد و حدوداً برابر تعداد معتادین در ۶ سال گذشته میباشد. افزایش بیش از حد مصرف مواد مخدر و در دسترس بودن آن در سطح وسیع جامعه نشانگر این امر است که برخی از مسئولین رژیم خود در خرید و فروش مواد مخدر شرکت دارند. در عین حال رژیم جمهوری اسلامی تحت عنوان مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد به زندانی کردن واعدام

برخی از مخالفین سیاسی خود دست میزند. در همین رابطه از طرح اعزام معتادین به جزیره معتادان (جزیره شیرین سووا) در جنوب بوشهر) میتوان نام برد. این طرح در اوایل سال ۹۵ با اعزام ۳۰۰ نفر به آن جزیره به مرحله اجرا درآمد و از آن تاریخ به بعد بطور متناوب اعزام معتادین به آن جزیره ادامه دارد. مقامات مسئولین رژیم برخی از زندانیان سیاسی را همراه با معتادین به آن جزیره تبعید نموده و به شکنجه و آزار آنان میپردازند. بر اساس گفته های رژیم گنجایش جزیره مزبور ۵۰ هزار نفر است که در صورت نیاز تا ۳۰ هزار نفر نیز قابل توسعه میباشد.

در ادامه تبلیغات رژیم در رابطه با مبارزه با مواد مخدر را اخیراً نیز در تاریخ ۱۶ آبان ۶۴ میزگردی در باره "علل اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر" ترتیب داده شد. میزگرد مزبور زیر سرپرستی "ادسرا" انقلاب اسلامی رژیم در رابطه با مبارزه با اعتیاد و تحویر خورد با معتادان چنین گفت:

"معتاد مجرم است و استعمال مواد مخدر در قانون جرم است و... اگر معتادین برای بار دوم و سوم همچنان از اعتیاد خود دست برندارند، قانون بشدت خاصی با آنها برخورد میکند." وی در جای دیگری افزود: "کسیکه پیش از یک کیلو تریاک و یا هر گرم هروئین داشته باشد محکوم به اعدام است." خلخال نیز در تاریخ ۲۸ آبان ماه در جلسه مجلس گفت: "قاچاق مواد مخدر هنگامه میکند یک مقدار اگر قوه قضائیه در آن کار قاطعیت داشته باشد حل مسئله خیلی آسان است."

آیا راستی بنا بر گفته مسئولین رژیم يك فرد معتاد میتواند مجرم حساب آید؟ و آیا "شدت" و "قاعیتی" که خلخالها از آن سخن میزنند میتواند چارمساز مشکل اعتیاد در جامعه باشد؟ بدو شک جواب این سوالات منعی میباشد. اعتیاد زمینه ها ن قوی اجتماعی دارد و معتادان خود معلول وزاد آن شرایط اجتماعی - سیاسی میباشد که در آن بسر میبرند، بدون مبارزه با ریشه های اجتماعی رشد اعتیاد در جامعه نمیتواند مبارزه با اعتیاد صحبت نمود، دستگیری و اعدام های معتاد نیز نمیتواند مشکل مسئله اعتیاد در جامعه را حل نماید. روز اعتیاد در کشورمان نیز از عوارض چنین رژیم ضد مردمی و فاشیستی - مذهبی میباشد. وجود جواختناق و سرکوب در جامعه، بیکاری و حشمتناک در بین جوانان، عدم امکانات تحصیلی و پایین بودن سطح آموزش علمی، عدم امکانات تفریحی، عدم امکانات مالی برای تشکیل خانواده، نداشتن اطمینان و امید به آینده و فشارهای روحی ناشی از آن در دسترس بودن وسیع مواد مخدر در جامعه و... آن عوامل اجتماعی - سیاسی میباشد که باعث رشد وسیع اعتیاد در جامعه ایران گشته است. رژیم جمهوری اسلامی که موجود آورنده این عوامل اجتماعی است و خود یکی از گردانندگان سازمان دهندگان اصلی ورود مواد مخدر به داخل کشور میباشد، نمیتواند گاهی در جهت حل مشکل اعتیاد بردارد. حل مسئله اعتیاد به مثابه یک بیماری اجتماعی نیز مانند بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه تنها تحت حکومتی مستقل و مکرانیک امکان پذیر میگردد. □

درباره

درگیریهای اخیر حزب دمکرات و کومه‌له

بر طبق اخبار رسید ما ز کردستان، نهایت تاسف، بار دیگر رگیرهای مسلحانه و خونین بین د و نیروی عمد کردستان، حزب د مکررات و کومه‌له شدت یافته و به فاجعه‌ای دیگر منجر گردید. بار دیگر خون تعدادی از پاکترین و شریفترین فرزندان د لا و کردستان در جنگی خانگی و نیرودی بی‌مورد، به ناحق بر زمین ریخته شد.

بنابر آنچه که در بولتنهای خبری کردستان و اطلاعیه‌های د فترت‌نمایندگی کومه‌له در خارج از کشور منتشر شد، نبرد های پراکنده چند ماهه اخیر در روزهای ۲۱ الی ۲۵ آبانماه و ج گرفت که در طی یک سلسله از د رگیریه‌ها، تعدادی از طرفین کشته، بسیاری مجروح و تعدادی نیز اسیر گردیدند.

در شماره ۳۲۷ بولتن خبری کردستان (بتاریخ ۱ آذر) طبق خبر و آمار ارائه شده از طرف حزب د مکررات بدنیال د رگیریه‌ها روز ۲۱ و ۲۲ آبان و چندین ساعت نبرد سنگر به سنگرسی و پنج تن از افراد کومه‌له کشته و زخمی شدند. در این د رگیریه‌ها حزب د مکررات تعداد کشته‌شدگان خود را

یک تن و تعداد مجروحین را ۴ تن اعلام نمود از طرف د دیگر بر طبق اطلاعیه‌های شما و ۱۱۱ و ۱۱۲ د فترت‌نمایندگی کومه‌له در خارج از کشور، اخباری د رابطه با این د رگیریه‌ها در ج گردیده است. در اطلاعیه شماره ۱۱۲ با تفصیل بیشتری چگونگی زد و خورد های مسلحانه تشریح گشته است. کومه‌له جنایت مرگور را نتیجه یک توطئه غافلگیرانه از سوی افراد مسلح حزب د مکررات دانسته و به همین علت تعدادی از پیشمرگان د لا و کومه‌له جان خود را از دست میدهند. در پایان این د رگیریه‌ها مجموع کشته‌شدگان کومه‌له ۱۵ تن اعلام میگردد. در ضمن افزوده میشود: علاوه

بر این رفقا ۸ نفر دیگر از آنان بدلیل زخمی شدن توان اولیضنبرد را از دست داد و قادر به ترک میدان جنگ نشدند و در حالیکه زخمی بودند به اسارت حزب د مکررات در آمدند و روح قساوت و وحشیگری اعدا م شدند. * اساسی پیشمرگانی که پس از دستگیر اعدا م شدند، نیز اعلام گشته است.

بر طبق اطلاعیه ۱۱۱ د فترت‌نمایندگی کومه‌له در خارج از کشور خبری نیز مبنی بر آزادی اسرای جنگی د ج شد است. طبق خبر مذکور که در روز ۱۱ آبان ۶ کومه‌له سه تن از افراد مسلح حزب د مکررات را از زندان آزاد میسازد و مشخصات اسرای آزاد شده را نیز اعلام میکند. این عمل انسانی کومه‌له از سیاست صحیح وی د ر این مورد ناشی میشود. و در خورا احترام و قابل تحسین میباشد.

از سوی د یگر همانگونه که اشاره شد، بانهایت تاسف از اعدا م تن از پیشمرگان مجروح و اسیر کومه‌له توسط حزب د مکررات، باید گفت: این عمل غیر انسانی و ضد د مکرراتیک حزب د مکررات برخلاف تمام موازین و اصول انسانی انجام گرفته و از نظر ما اکید امحکوم است. د شرایطی که رهبری حزب د مکررات با اتخاذ شیوه‌های غیر صحیح و غیر مسؤله نهنه‌تنه‌ا پیشنها د آغاز مذاکره و قبول آتش بس فوری و بدون قید و شرط را از طرف کومه‌له و سایر نیروهای سیاسی رد میکند، بلکه را د امه و گسترش این جنگ براد رکشی تلاش مینماید، آزاد یخواهان و نیروهای مبارز و د مکررات چه موضعی را باید اتخاذ نمایند؟ و تاکی باید با ا د امه چنین د رگیریه‌های شاهد نبود ی تعداد د دیگری از بهترین فرزندان کردستان قهرمان باشیم؟

د ر رابطه با محل و فصل اختلافات بین د و نیروی د رگیر، بجاست به اطلاعیه‌ای

از سوی کمیته طرفد اران صلح بین نیروها چنین مقامت د کردستان اشاره نمائیم، د ر قسمتی از گزارش و جمع‌بندی نهایی این کمیته که د آن نمایندگی‌های حزب د مکررات و کومه‌له نیز حضور داشتند، پس از مکاتبات و مذاکرات بسیار که شرایط و پیشمات در طرفین د رگیر را مورد ارزیابی قرار دادند.

نتیجه گرفته شده است: ... ما معتقدیم ا د امه د رگیریه‌ها و پیامدهای ناشی از آن در این شرایط مشخص عمد تا متوجه رهبری حزب د مکررات خواهد بود. امروز رهبری حزب د مکررات مواضع به نهایت خطرناکی د رابطه با تضمین برای ا د امه جنگ با کومه‌له اتخاذ کرد است. اگر چنانچه مبرند نظامی این جنگ هم‌ا شد از نظر سیاسی شکستفا حشی را متوجه خود خواهد نمود و جنبش انقلابی خلق کرد نیز ضریات سنگینی را متحمل خواهد شد رهبری حزب د مکررات امروز نه تنها اکثریت قریب به اتفاق جریانهای سیاسی انقلابی و د مکررات را در مقابل خود قرار داد بلکه علیه ا راد و خواست اکثریت مردم زحمکش و زجر کشید کردستان که خواهان قطع جنگ بین د و نیروی عمد و مقاوم هستند عمل میکند. حزب د مکررات بخاطر خواست و منافع قاطع جنبش انقلابی خلق کرد و جنبش سراسری ایران باید آتش بس و مذاکره را بپذیرد.

مرد کردستان و نیروها و سازمانهای مبارز عمیقاً از ا د امه و گسترش این جنگ خانگی و عبت، نگران و ناراحت هستند و خواهان پایان هر چه سریعتر این جنگ میباشند. براسستی د رفزد ای آزادی ایران و طلوع مکرر مسیبین و ا ملان اصلی این د رگیریه‌ای خونین چه پاسخی د ر مقابل مردم مستمند د کردستان و سایر نقاط ایران خواهند داشت؟ □

نقش و مقاصد موسوی خوئینی ها

حمله کرد و ورشد روز افزون " سرمایه داران غارتگر " و " صاحبان ثروت های نامشروع " و بطور کلی طرفداران بخش خصوصی را مورد انتقاد قرار داد هاست . خوئینی ها همچنین ادعا میکند قصد " ریشه کن ساختن تروریست های اقتصادی " و " صاحبان ثروت های نامشروع " و . . . را دارد .

وی در رواقی برخلاف تاکنیک و شیوه رهبران رژیم ۲۳ سال گذشته ، در رابطه با رونق دادن به بخش خصوصی و دعوت از " صاحبان سرمایه " برای همکاری بیشتر ، ناگهان به مخالفت با این امر پرداخته و میخواهد اینگونه وانمود نماید که گویا علت نابسامانی های عظیم اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی رژیم در تقویت سرمایه داری خصوصی و " بازگشت طاغوتچه " به کشور میباشد . و برای منحرف نمودن افکار عمومی نسبت به ریشه و عوامل اصلی وضع موجود - یعنی وجود رژیم وابسته و ضد مردمی جمهوری اسلامی - سرمایه داری خصوصی و " طاغوتچه ها " را علم کرده است .

خوئینی ها که با رهبری کردن دانشجویان پیرو خط امام " در اشغال سفارت آمریکا در آبان ۵۸ نقش حساس و کلیدی را برعهده داشتند پس از آن واقعه چهره اش به مرور زمان شناخته تر گشت . وی سپس برای ایفای هر چه بیشتر نقش خویش قریب به ۲ سال سرپرستی امور حجاج را برعهده گرفت . از عملکرد های وی در این سمت میتوان ایجاد هرج و مرج و آشوب در مراسم حج در کشور عزیزستان سعودی را نام برد . همچنین او به عنوان یکی از مهره های اصلی رژیم درگسترش " صدور انقلاب اسلامی " نقش مؤثر و مهمی را ایفا نمود .

خوئینی ها مدتی نیز سمت نائب رئیس

مجلس شورا و نمایندگی در مجلس را برعهده داشت .

نقش موسوی خوئینی ها بخصوص در رابطه با اشغال سفارت آمریکا از آن جهت حائز اهمیت است که وی در رواقی بارهبری این جریان موجبات سقوط دولت بازرگان را فراهم آورد و به استحکام هر چه بیشتر جناح خط امام در رون رژیم افزود . بطوریکه پس از این واقعه آزاد یهای نسبی و محدود نیز که در کشور وجود داشت بتدریج از بین رفت و جو خفقان و سرکوبی در همه جا برقرار گشت . در آن دوران وی و دیگر تروریست های خط امام با برنامه ریزی حساب شده و تحت لوای شعار " مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران " به منحرف نمودن افکار عمومی از مسیر مبارزه بر علیه دشمن اصلی رژیم جمهوری اسلامی پرداختند . خوئینی ها در آن زمان (سال ۵۸) گفته بود : " هر کجا که دیدید سخنی غیر از مبارزه با آمریکا بدانید ما مورین سیان نفوذ کرده اند . "

بدین ترتیب وی و دیگر همفکرانش هر نوع نغمه مخالفت و آزاد یخواهان را با برچسب " آمریکایی و عامل صهیونیسم و سیا " سرکوب نمودند .

در ضمن لا زمه تند کراست که در جریان اشغال سفارت آمریکا ، حزب تود سرسختانه از موسوی خوئینی ها پشتیبانی نمود و پس از آن مرتباً از موضع گیری های وی در رابطه با مسئله گروگانها ، جنگ ، حمایت از اصل ۹۹ قانون اساسی ، حمله به سرمایه داری خصوصی ، و ولتی کردن صنایع و . . .

حمایت قاطع بعمل آورد . این پشتیبانی به حدی بود که کیا نوری برای اثبات نظریات خویش به سخنان خوئینی ها و " قضاوت های جالب " او استناد میکرد و آنها را به " شهادت

میطلبید . "

در رابطه با نقش خوئینی ها باید اذعان نمود مسلماً وی از پشتیبانی قابل ملاحظه ای در رون رژیم اسلامی برخوردار بود که رهبری چنین جریانی را عهده دار گردید . جریانی که برخی از سیاستمداران آمریکائی آنرا شکستی فاحش تر از شکست آمریکا در ویتنام ذکر مینمایند .

حال با توجه به نقش موسوی خوئینی ها در گذشته ، ببینیم هدف از جابجایی که اخیراً خوئینی ها برپا نمود چیست ؟ و اینبار وی در سمت جدید خویش در استان کلانقلاب " چه مقاصد و اهدافی را دنبال مینماید ؟ و " دلسوزی های " خوئینی ها در رابطه با از دست رفتن " حقوق مستضعفین " و حمله وی به " طاغوتچه ها " و مخالفتش با رشد سرمایه داری خصوصی بر چه پایه ای مبتنی بود و به چه منظوریست ؟

البته باید تاکید نمود که خطوط اساسی و مشخص خوئینی ها ریشه در اهداف افسعین پیروان خط امام در گذشته داشته است . در رواقی از هنگام شروع کار آمدن رژیم جناحها مختلف در رون آن در برخورد به مسائل گوناگون ، موضع گیری های مختلف و متضادی را اتخاذ کرده اند . یکی از این مسائل نحوه برخورد با سرمایه داری خصوصی بود .

است . بطوریکه طرفداران جناح خط امام برای محدود کردن سرمایه داری خصوصی ، در ولتی کردن صنایع و معادن ، اجرای اصل ۹۹ قانون اساسی ، لایحه اصلاحات ارضی و ملی کردن تجارت خارجی تلاش نمود و در مقابل جناح حجتیه و بازرگانان از گسترش سرمایه داری خصوصی و بازار و . . . حمایت کرده اند .

بقیه نقش و مقاصد . . .

در طی این مدت با جنگ و کشمکش شدید
که بین جناحهای درونی رژیم بر سر کسب
قدرت بیشتر در گرفت، جناح خط امام به
تشبیه هر چه بیشتر خود در حاکمیت پرداخت
و بالطبع مواضع خویش را در رابطه با
سرمایه‌داری خصوصی نیز پیش برد. در این
مورد میتوان به مبارزه‌ها که بخصوص در
اواسط سال ۶۲ حادث شد، اشاره نمود.
در آن دوران تحت لوای مبارزه با تروریستها
اقتصادی "برخی دستگیر و حتی اعدام
گردیدند و عدوهای نیز اموالشان مصادره
شده و ممنوع الخروج گشتند.

پس از اشغال سفارت آمریکا و جریانات
۳۰ خرداد ۶۰، نیروهای خط امام با
اطمینان از قدرت خود وضعف جناح
رقیب، با برنامه‌ریزی حساب شده و در
جهت منافع خویش بمنظور بهره‌برداری از
نیروهای دیگر در جهت تحکیم وضع خویش
بخصوص در زمینه اقتصاد، تصمیم به
اجرای "رزمهای" در سطوح مختلف
نمودند. برخی از این اقدامات شامل
بازگشائی مرزها، دعوت از متخصصین و
صاحبان سرمایه در خارج برای همکاری به
کشور، اجازه فعالیت بیشتر به طرفداران
سرمایه‌داری خصوصی . . . میگشت. در
ادامه این روال رهبران رژیم مرتباً بیان
نمودند که کشور "امنیت اقتصادی" برقرار
است. بطوریکه خمینی در دی ماه سال ۶۱
طی پیامی گفت: " . . . دیگر آرامش است.
. . . حال این است که مردم مطمئن باشند.
. . . و سرمایه‌هایشان را بکارند از نسد و
نسبت به سرمایه‌هایشان اطمینان داشته
باشند . . . و دیگر هیچکس از آمدن به وطن
خود نترسد . . . نترسد از اینکه يك وقت
سرمایه‌هایشان را بگیرند . . . "

همانگونه که اشاره گردید یکی از اهداف
جناح خط امام از ادان اجازه فعالیت
بیشتر به سرمایه‌داری خصوصی، بهره‌برداری

از آنان برای سروسامان دادن به وضع
اقتصادی فلاکت‌بار خویش بود و در واقع
آنان از مواضع خویش عقب نشینی نکرد بلکه
تاكتيك جدیدی را بکار بستند .

در پی این "رزمها" عدوهای از نیروها و
طرفداران گسترش سرمایه‌داری خصوصی
با فرصت طلبی به علت منافع تنگ نظرانه و
سودجویانه خویش به کشور بازگشته و بجهت
همکاری با رژیم پرداختند و همچنین برخی
دیگر که در ایران از همکاری با رژیم ایس
داشتند، به این امر مبادرت ورزیدند و
بغلط پنداشتند که قواعد رکشور "امنیت
اقتصادی" برقرار شده است. اما وضع
اقتصادی رژیم و خیم تر از آن بود که با رونق
دادن به سرمایه‌داری خصوصی بهبود
چندان در آن پدید آید. بخصوص که با
ادامه جنگ خانمانسوز و فرسایشی ایران و
عراق، مقدار عظیمی از بودجه کشور صرف
جنگ میگردد. همچنین با حملات عراق
به خارك قسمتی از صادرات نفت متوقف
گشته و با رنظر گرفتن این امر که منبع اصلی
درآمد رژیم از طریق فروش نفت حاصل
میگردد، اقتصاد رژیم فلج تر میشود و رهبران
رژیم روز بروز با مشکلات بیشتری از قبیل تورم،
بیکاری، گسترش نارضایتیهای عمومی،
مخالفت گسترده با جنگ و . . . روبرو
میگردیدند.

از طرف دیگر جناح حجتیه و بازگان نیز
با استفاده از "شعار امنیت اقتصادی"
نیروهای خود را متحد و تقویت کرده و
کوشش نمودند از وضع موجود در جهت
تحکیم مواضع خویش استفاده نمایند و حتی
برخی از نیروها خط امام را بسوی خود
جذب کنند.

در پی چنین رویدادهایی، نیروهای
خط امام بانگرانی و وحشت از اوضاع موجود
(گسترش نارضایتیهای عمومی و قدرت گرفتن
حجتیه و . . .) در برنامه‌های خویش
تجدید نظر کرده و تغییر تاكتيك دادند.

بطوریکه برنامہ جدیدی را برای سرپوش
گذاختن بر علل و دلایل اصلی ناپسا مانینها
عظیم اقتصاد ترتیب دادند و برای منحرف
نمودن اعتراضات و مخالفت‌های مردم با کل
رژیم مسئله گسترش سرمایه‌داری خصوصی را
علم کردند. و همچنین به تحکیم هر چه بیشتر
خط امام در ارگان قضائیه پرداخته و موسوی
خوئینی را به سمت جدید "دادستان کل
کشور" منصوب گشت.

خوئینی‌ها در این سمت جار و جنجالی
را که قبلاً با اشغال سفارت آمریکا بسراه
انداخته بود، بشکلی دیگر تکرار نمود. وی
پس از انتصاب به سمت جدید، حتی برخی
از قوانین رژیم را در رابطه با بخش خصوصی
مورد حمله قرار داد. بطوریکه وی در جمع
کارکنان و پرسنل وقضات دادستانی چنین
ابراز کرد: "هرگز اجازه نخواهیم داد به
بمناهنه قانون‌گرایان، انقلاب و ارزشهای آن
به نام دستگا ه قضایی بر باد رود" و همچنین
ضمن حمله‌ها به سرمایه‌داری خصوصی
(صاحبان ثروت) گفت: "بربراداران
مجری اصل ۴۹ قانون اساسی توصیه میکنم که
اجرای این اصل گلوگاهی است که باید در
اینجا گلوئی ضد انقلاب را محکم بگیرد و فشار
بد هید. "وی حتی شعار "امنیت اقتصادی"
را که در این مدت رژیم تبلیغ آن پرداخته
بود، را مورد انتقاد قرار داد و گفت: "از
همان روزی که ما شعار امنیت اقتصادی را
دادیم، صاحبان ثروت‌های نامشروع پررو
شدند و به کشور بازگشتند . . . و از اقتصاد
به عنوان سکوی مهم در سقوط انقلاب بهادر
تاریخ نام برد.

خوئینی‌ها همچنین در بخشنامه‌های که
به کلیه ادارات "انقلاب عمومی"
صادر کرد از آنان درخواست نمود که اساسی
و مشخصات کامل سرمایه‌داری را که
مجدداً به کشور بازگشته‌اند "را در اسرع
وقت تسلیم ادستانی کن نمایند.

بقیه از صفحه ۱۱

نقش و مقاصد ...

در ضمن به حمایت از اقدامات موسوی خوئینی‌ها در رابطه با زنگنه و طاعن‌ها در مطبوعات فرمایشی رژیم مقالات و گفتارهای فراوانی درج شد و از طرف انجمن‌های اسلامی و سایر ارگان‌ها دست نشانده رژیم در طرفداری از وی طومارهایی جمع‌آوری گردید و ۱۱ نماینده مجلس اسلامی نیز در طی نامه‌های پشتیبانی خود را از او اعلام نمودند. خوئینی‌ها همچنین در آگاه انقلاب را به سه بخش ۱- سیاسی و مسائل ضد انقلاب و گروه‌ها ۲- مسائل اقتصادی ۳- مواد مخدر تقسیم کرد و بر این‌ها از این ۳ بخش معاونینی را برگزید و اقدامات خود را از مسائل اقتصادی شروع نمود و در این رابطه در قسمتی از سخنان خود در نماز جمعه ۳ آبان "شروع اندوزان و طاعن‌ها را تهدید کرد که آنان را به قبرستان و گورستان تاریخ خواهیم فرستاد." از طرف دیگر با انتصاب خوئینی‌ها به سمت دادستانی کل کشور و اقدامات وی بر علیه گسترش سرمایه‌داری خصوصی، در بین طرفداران خط امام نیز اختلافاتسی بروز نمود. از یک طرف عدوهای آنان منجمله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور بیان میکنند که برای سرسازمان دادن به اقتصاد و رشک‌ستیزی رژیم‌ها بی‌ارکود اقتصاد موجود میبایست به سرمایه‌داری خصوصی با نظارت دولت اجازه فعالیت بیشتر داد. اما از طرف دیگر خوئینی‌ها و موسوی نخست وزیر و ... بشدت با این مسئله مخالفت می‌نمایند. بطوریکه پس از حمله خوئینی‌ها به طرفداران امنیت اقتصاد در کشور "موسوی اردبیلی مخالفت ضمنی خود را با سخنان خوئینی‌ها ابراز نمود و در مصاحبه‌ای به تاریخ ۱ مهر

مدرج در اطلاعات همچنان از شعار "امنیت اقتصادی" دفاع کرد. البته در پی موضعگیری‌های اخیر خوئینی‌ها جناح رقیب نیز به مخالفت‌هایی محسوس پرداخته و در این زمینه عکس العمل‌هایی را نشان داد. بطوریکه آذری قمی طی تظرف در مجلس بیان نمود:

"... چگونه ما به خود اجازه میدهم که این اصل (اصل مالکیت) و قانون را بی اعتبار جلوه‌دهیم... ما هم معتزیم و میگوییم باید اموال طاعن‌ها را بنگهداشت و به آن‌ها پس‌انداد ولی از راه قانون. شماره و زمانه را در اعتراض به لایحه مخس خصوصاً ملاحظه نماید اشکالاتی مطرح کردند که به مسائل مسلم فقه وارد شده است. آیا این است اعتقاد به اسلام و فقه آن. اگر نیست قانون بی ارزش باشد پس مجلس را تعطیل کنید."

(نقل از کیهان ۴ آذر ۱۳۶۴)

همچنین چند مقاله نیز در مخالفت با سخنان "دادستان کل کشور" در روزنامه‌ها منتشر گردید که در آن وی را به بی‌قانونی و ... نسبت داد می‌نمودند.

در حال حاضر جناح خط امام همچنان به جار و جنجال خود ادامه داده و بسیاری از مقالات روزنامه‌های رژیم به این موضوع اختصاص یافته است. و جنگ و کشمکش جناح‌ها در این رابطه همچنان ادامه دارد. در بالا به گوشه‌ای از رویدادها و علل که منجر به تغییر تاکتیک رهبران رژیم گردیده اشاره نمودیم. در این میان بطور کلی موسوی خوئینی‌ها بعنوان نماینده سرسخت پیروان خط امام هدف مشخص زیرراد سرکوب سرمایه‌داری خصوصی تعقیب میکند:

۱- سرکوب و تارومار کردن جناح حجتیه و بازرگان و منزوی نمودن آنان در صحنه اقتصاد ملی مملکت.

۲- گسترش و رشد سرمایه‌داری و ولتی از طریق کنترل کالاها و وارداتی مصرفی و جلوگیری از صدور و رقیب سرمایه‌بخارج و

کامالیزه نمودن اقتصاد سرمایه‌داری و ولتی در جهت تثبیت موقعیت خط امام و پیشبرد اهداف جنگ طلبانه و تجارانه در منطقه ۳- تنظیم و گسترش اقتصاد مملکت بر مبنای سیاست‌های تعیین شده خط امام در رابطه با کشورهای دوست و حامی آشکار و پنهان رژیم وابسته جمهوری اسلامی

۴- تبلیغ در جهت حمایت از کارگران و دهقانان و مبارزه بر علیه سرمایه‌داری و مصرفی نمودن خود بعنوان حامی منافع مستضعفین و کوخ نشینان.

در اینجا باید بروشنی تاکید نمود که چه ره‌منفور رژیم جمهوری اسلامی در بیسن مردم ایران عیان گردیده است و مردم دیگر قریب شمارها و ریاکاری رهبران رژیم را نخواهند خورد. مردم، بلکه بی‌برهانند که شعارهای رهبران رژیم در رابطه با "حقوق مستضعفین" و "پیش‌کن ساختن تروریست‌های اقتصادی" نه از روی دلسوزی و نه در جهت تامین منافع و حقوق مردم میبایست، بلکه سلماً نقطه حرکت و کلیه اقدامات چنین رژیم جنایتکاری دقیقاً در جهت حفظ منافع و تحکیم مواضع خویش است مردم مستمندی‌ها ایران بین از ۱۶ سال است که با مشکلات فراوانی از قبیل جنگ، گرانی، تورم، عدم وجود آزادبهای، د مکرانیک، سرکوب و خفقان و ... مواجه میباشند و به علل اصلی و عمده این وضع که همانا وجود رژیم وابسته و ضد مردمی جمهوری اسلامی است، واقفند و بخوبی میدانند تا زمانیکه این رژیم بر مسند قدرت است، اقتصاد رژیم چه در اختیار سرمایه‌داری خصوصی و چه در دست سرمایه‌داری و ولتی آن قرارگیرد، مشکلات و نابسامانی‌های عظیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم حل نخواهد گردید. □

نیلوفر مولوی سن - بزرگمهر

شعر و ادب

و تو در بندی...!

چون اسیری... تو در بندی
گفتم چه شد؟
فرزندانت را خواب در ریود
وتو از دست رفتی؟
چه گرانبها گوهری؟
لیک اوخ... بریاد رفت
چهارزان
بگو، کیست آن مجرم گنا هبزرگ
وای برمن، وای برمن
بگو میهنم، کیست آن مجرم گنا هبزرگ
برتوزخمها زد
زخمها... آن مجرم بزرگ
کا وید، کا وید
کس ندا سرندا
تا بزانونفکند ترا
بانیرنگ بی شمار
و خصمستمگر خونخوار
بزانونفکند ترا
آه... ای خشم آتشین
ای عشق پایدار بزرگ
بگو، بگو
ابوسلمرا، بابک را، یعقوب را
بگو، بگو
نیروگیریم ز عشقشان،
ز خشمشان، زرنجشان
آه، آن مجرم بزرگ
بافریب و دروغ هزارمیش
خوکان ظاهر فریب
بمتهبای کشاند هاند ترا!
تا خصمستمگر خونخوار
درینجه گیردت.
چون اسیری... تو در بندی
لیک، لیک
بستانم انتقام ترا، بستانم انتقام ترا
از مجرم بزرگ
ز خوکان بپیر،
بافریب و دروغ هزارمیش
بستانم آن انتقام بزرگ
بستانم آن انتقام بزرگ

محروق

پاریس نوامبر ۸۱

هنگام خزان

خیزید و خز آید که هنگام خزانست
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزانست
د هقان به تعجب سرانگشت گزانست
طا ووس بهاری را، د نیال بکندند
خسته میان باغ هزاریش پسندند
وین پرنگاریش بد و باز نیندند

باد خنک از جانب خوارزموزانست
گویی بمثل پیرهن رنگرزانست
کاند رچمن ویاغ، نه گل ماند ونه گلنار
پرش بپیریدند ویکجی بکندند
با او نشینند ونگوینند و نخندند
تا بگذرد آذر مه و آید سپس آزار

منوچهری دامغانی



در آئین دوست گرفتن

"بدان ای پسر، که مردمان تازند مباحثند ناگزیر باشند از دوستان،
که مرد اگر بی برادری باشد به کهی دوست از آنچه حکیمی را پرسیدند
که دوست بهتر یا برادر؟ گفت: برادر هم دوست به... اما با
بی خردان هرگز دوستی مکن، که دوست بیخرد از دشمن بخرد بتر بود،
که دوست بیخرد با دوست از بدی آن کند که صد دشمن با خرد با دشمن
نگذد... و دوستی که دشمن ترا دشمن ندارد، وی را جز آشنای
خویش مخوان، چه آن کس آشنا بود نه دوست... اما در دوستی
مردمان دل استوار ارتاکارهای تو استوار بود..."

قابوسنامه عنصرالمعالی

ایران

در ماهی که گذشت

هفته بسیج و سیاستهای جنگ طلبانه رژیم

همانطور که میدانیم یکی از سیاستهای رژیم شعله و رنگه داشتن آتش جنگ و ادامه آن در شرایط کنونی میباشد. در طی هفته بسیج که از تاریخ ۸ تا ۱۵ آذر برگزار گردید مسئولین رژیم بار دیگر بر ادامه جنگ تاکید ورزید و مخاطبانشان ساختند که باید همانند گذشته جنگ در راس همه مسائل کشور باشد و دولت تمام توان خود را در این راه بسیج نماید. اما رژیم برای اینکه بتواند جنگ را ادامه دهد و سیاست جنگ طلبانه خویش را به پیش ببرد به نیروی انسانی برای اعزام به جبهه‌ها نیازمند است.

یکی از ارگانهای که رژیمها استفاده از آن تاکنون توانسته است نیروهای انسانی بسیاری را روانه جبهه‌ها سازد "بسیج" میباشد که در سال ۸۰ تشکیل گردید و بدنه اصلی آن را بیشتر دانش آموزان و بخصوص جوانان و نوجوانان روستائیی تشکیل میدهند.

رژیم علاوه بر تامین نیروی انسانی مورد نیاز خویش از تشکیلات بسیج در رکنار سپاه پاسداران بعنوان ابزاری برای سرکوب نیروهای آزاد و خواه و مپارز استفاده مینماید بطوریکه امروز بسیاری از قوای سرکوبگرانه و ضد مردمی رژیم در کردستان قهرمان را بسیجی‌ها تشکیل میدهند. رفسنجانی در باره نقش بسیج چنین میگوید:

"آثار کار بسیج را ما در تمامی جامعه خود

می بینیم و در جنگ و در کل نظام جمهوری اسلامی به تاثیرات نقش این حضور هر روز که به پیش میرویم پیش از پیش واقف ترمیشویم." (۳۰ آبان اطلاعات)

در سالگرد تشکیل بسیج رژیم بار دیگر تبلیغات وسیعی را جهت جذب نوجوانان و جوانان و اعزام آنان به جبهه‌های جنگ برپا دارند. اما علی رغم تلاشهای مذبحوانه رژیم واقعیتی است که هر روز که از جنگ میگذرد از تعداد او طلبین رفتن بسه جبهه‌ها کاسته میشود و حتی بسیاری از مشمولان از رفتن به نظام وظیفه خودداری مینمایند. بهمین منظور رژیم برای جبران نیروی انسانی لازم خود به دست و پا افتاده و از آموزش و پرورش در این زمینه کمک گرفته است، و در نظر دارد طرح تد ریس فنسون نظامی را در ورهه بیرستان به اجرا دریاورد بهمین منظور رسمینا رکل مدیران آموزش و پرورش که در تاریخ ۲۲ آبان در راهوازی برگزار شد اگر می وزیر کا آموزش و پرورش رژیم خاطر نشان ساخت که اولین هدف آموزش و پرورش این است که تمام قوای خود را جهت تجهیز و آموزش در همیلمیون دانش آموزان اختصاص دهد. رفیق دست نیز در همان سمینار با اعلام اینکه در سال ۶۲ در عملیات خیبر ۵۷٪ از نیروهای "رزمده" را دانش آموزان تشکیل میدادند گفت:

"ما باید برنامه این جنگ را بطوری تنظیم کنیم که جبهه‌های خودمان را به فرمان امام عزیز برای ۲۰ سال آیند تربیت کنیم."

در پایان سمینار چهارروزه قطعنامه‌ای نیز صادر گردید که در قسمتی از آن آمدن بود

"با توجه به ارتباط صمیمانه و تنگاتنگی که بین وزارت سپاه و وزارت آموزش و پرورش در پیشبرد امر جنگ برقرار است ما متعهد میشویم که توان خود را در اعزام نیرو به جبهه‌ها و ... ادا نمائیم."

جنگ اصلی ترین محور بودجه

بدنیال تصویب لایحه بودجه سال ۱۳۶۵ که رقم آن ۷۲۵ میلیارد تومان اعلام گردید است، موسسوی نخست وزیر رژیم ضمن ارائه گزارشی در این مورد در تاریخ ۱۰ آذر ماه در مجلس شورای اسلامی گفت: در شرایط ویژه کنونی میبایستی جنگ را اصلی ترین محور تمامی فعالیتهای سیاسی - اقتصادی نظام میدانیم. وی اضافه نمود با توجه به اینکه جنگ در راس امور میباشد، هزینه‌های دفاعی کشور ۱۲٪ افزایش یافته است. در شرایطی که در ماه این جنگ فرسایشی بود جعهظیمی از درآمد کل کشور را بخود اختصاص داد است و ضایعات انسانی و تلفات مالی هنگفتی ببار آورد است و مصایب و عوارض و مشکلات ناشی از این جنگ عبث و بیمه بود. هر ا صد مات عظیم انسانی، قحطی، گرانی، تورم و بیکاری و وضع اسفبار آوارگان جنگی - مرد مستمندیه ایران متحمل میشوند، افزایش میزان ۱۲٪ هزینه‌های به اصطلاح دفاعی جز در خدمت سیاستهای جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی نمیشد.



هشدار آذری قمی

هر روزی که از عمر رژیم میگذرد کشمکش بر سر کسب قدرت بیشتر، بین جناح‌های درونی رژیم جدت مییابد. و جناح‌های رژیم علنا به افشای یکدیگر پرداخته و همدیگر را متهم به زدی، فساد و... مینمایند.

در ادامه این اختلافات خلخالی در تاریخ ۲۸ آبان در مجلس روزنامه‌رسانان را که متعلق به جناح حجتیه است و آذری قمی یکی از گردانندگان اصلی آن میباشد مورد حمله قرار داد و میگوید: شکست خورده‌های سیاسی و شکست خورد ه‌های مردمی این روزها از وجهه‌های آقایان روحانیون و دیگران استفاده کردند... چشممان بعد از روزنامه‌میزان و انقلاب اسلامی به روزنامه‌رسانان باید روشن شود ه‌های هم در اینجا قلم‌فرسایی میکنند و مطالبی می‌نویسند و همه ما میدانیم این روزنامه‌قبل از اینکه بیرون بیاید زیر سوال رفته است... چند روز پس از این سخنان آذری قمی در تاریخ ۴ آذر ماه در مجلس با اعتراض به سخنان خلخالی آنان را تهمت و افترا و واهی خواند و بیان کرد:

"... اگر نماینده‌های که در روضی به من و دیگران زد رسین بسته بود و در همین مجلس نسبت داد بود از طرف ریاست محترم مجلس تویخ میشدند و اگر مسائل واهی و پوچی که نمایند ه‌دیگری در باره روزنامه رسالت ویند ه‌ود وستانم از تربیون مجلس اظهار کرد ه‌بودند مورد اعتراض مجلس قرار میگرفت و... این صحنه‌های مشعشز کنند ه‌تکرار نمیشد..."

قمی در ادامه سخنانش به فرسنگ‌نسی هشدار داد و گفت:

"... من از رئیس محترم مجلس میخواهم

که به وظیفه خود در این رابطه وارد مجلس عمل نماید والا جناح دیگر ه‌سکوت خواهد شکست و آقایان را به جای خود می‌نشانند، مطمئن باشید که حوزه علمیه را نمیتوانید به دنبال خود بکشید... این اخطار را جدی بگیرید."

پس از سخنان قمی ابوطالب حبیبی "نماینده قائمشهر" به طرفداری از جناح خط امام به مخالفت با قمی و جناح وی برخاسته و گفت:

"... ما تابع امام هستیم و آنچه را امام گفتند عمل میکنیم... این شما هستید که با توجه به تذکرات امام و با توجه به نامه پیام ایشان می‌آیید در ارتباط با مسئولیسن اجرائی کشور موضع میگیرید همین الان هم در ارتباط با دولت این اگر، اگر هائی که امروز پشت تربیون مجلس مطرح میشود این چه نقطه نظری را دنبال میکند... اگر بناست که جلوی حرفها گرفته شود باید هر دو طرف گرفته شود..."

حبیبی سپس به ۹۹ تن "نمایند ه‌های که به نخست وزیر موسوی رای موافق داد ه‌ بودند اشاره کرد و گفت: آنان مساله امام، مساله مجلس و مساله جنگ ما را زیر سوال بردند... بدنبال سخنان اینان در مجلس رفتنشان ترس خود را از علنی شدن تضادها و گسترش آن نشان داد و ه‌با عنوان این مطلب که این مسائل نه من مردم را مشوش میکند گفت: "الان شرایط ما و مسائل جنگ ایجاب نمیکند که آقایان از این تربیون که به سرسرسر کشور و به همه دنیا ارتباط دارند بیایند و اینطور مسایل را بیل کنند... این مستقل مربوط به جلسات خصوصی است... اگر نالت که گفته شده ضرر میکنند و در غیر این صورت هیچ کس نباید بگوید..."

نکات حقوق‌گوشه دیگری از تضاد های درونی رژیم را عیان میسازد. اما کوس رسوائی ه‌زد و جناح از امام افتاده و حاد شدن اختلافات، نزد ویند ه‌های پشت پرده رژیم را آشکار خواهد کرد:

دزد واقعی کیست!

قسمتی از سخنان قنبری کیبری "نماینده مردم شت در مجلس اسلامی":

"... اگر شیوه‌های که ما در نجات از محرومین شروع کرد ه‌ایم راست و درست است... پس چه شد که محرومین نجات پیدا نمیکنند؟ مگر شما آما را نمید ه‌ید و نمیگویید که نقد ینگ در مملکت ما از زمان شاه بیشتر است؟ این نقد ینگ که در خیابان و کوچه و کارگاه و بازار و بین کشاورزان نیست، دست کیست؟ کارگر که ندارد، کساورز که ندارد، محروم و پابرهنه که ندارد، کارمند اره که ندارد، این اقلیت محد و دن که این سرمایه‌ها را به خود اختصاص داد ه‌اند و لرد تراژدی های زمان شاه شد ه‌اند چه کسانی هستند؟ چرا شناسایی نمیشوند... اینطور نباشد که من بگویم زدی را بگیر، آن آقا هم بگویند زدی را بگیر، هم بگویند زدی را بگیر و آخر سر زدی گم شود و معلوم نشود که زدی چه کسی است. (نقل از کیهان ۲۸ آبان ۱۳۶۴)

خودداری سفارت فرانسه از صدور ویزا

سفارت فرانسه از صدور ویزا به هیئت ایرانی که قصد داشت در اجلاس سالیان ه "سازمان انقلابیون صحرا" که در ۲۳ و ۲۴ آذر در پاریس تشکیل می یافت شرکت نماید، خودداری نمود.

هیئت مزبور از نفریه سرپرستی فاضل هرنندی "نماینده مجلس" تشکیل شد ه‌بود. بدنبال این عمل سفارت فرانسه که عملاً مانع شرکت هیئت ایرانی در اجلاس مزبور گردید، مجلس رژیم اعلامیه ای صادر نمود که در قسمتی از آن آمد ه‌بود: "... بار دیگر مشل هزاران عملگر دولت فرانسه چه رسوای این دولت مشخص تر شد."

بقیه از صفحه ۵

درباره برخی از مسائل ...

خوشبختانه در تاریخ و جنگ بین الملل اول و دوم همچنین انقلاب اکبر روسیه و انقلاب چین نمونه های ارزنده ای از ائتلاف و همکاری نیروهای ناهمگون در مقابل دشمن مشترک وجود دارد. با بررسی سیر رویداد های میتوان ملاحظه نمود که چگونه نیروهای مترقی و رهبران جنبشهای دموکراتیک و مردمی با واقع بینی و در اندیشه مشکلات جبهه متحد را در مبارزات تحقق طلبانه و رویارویی با دشمن اصلی حل نمودند. جنگ بین الملل اول و قرارداد صلح برست - لیتوفسک، جنگ بین الملل دوم و ایجاد جبهه ضد فاشیستی و همچنین جنگ داخلی چین فوق العاده آموزنده است. بخصوص سیر تحولات و جنگهای داخلی چین در جهت همکاری با نیروهای ارتجاعی و ضد مردمی چیانگ کومینگ و برابری مقابله با دشمن اصلی بسیار قابل توجه است. ما از آنجمله در باره نمونه چین سخن میگوئیم که هر دو نیروی رزمند از در کردستان خود را چپ و مترقی میدانند و بالطبع میتوانند از مبارزات مارکسیست هائی که پیروز شد ه اند بیاموزند. برای روشن نمودن مفهوم کلا متوجه خوانندگان گرامی را به یک سند تاریخی جلب میکنیم:

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در تاریخ ۵ ژوئیه ۱۹۳۷ (با رجوع اعلامیه ای تحت عنوان " همکاری گمیندان و کمونیستها " مینو " هموطنان عزیز:

حزب کمونیست چین با نهایت درجه شور و شوق خطا بهیدان، مادران، برادران و خواهران سرتاسر کشور اعلام میدارد ما برای نجات ما میهن هنگامیکه کشور در مقابل بحرانها فوق العاده جدی قرار گرفته و سرنوشت وی در خطر است، بسا گمیندان بر اساس صلح، وحدت و مقاومت متحد در مقابل تجا و ز خارجی بهتفا هم رسیده ایم که نیروهای خود را در یکدیگر انعام کنیم، تا بتوانیم بین وسیله حل بحرانها نایل گردیم. این امر برای آیند ملت بزرگ چین حائز اهمیت فراوان است! زیرا همانگونه که همه میدانیم امروز، هنگامیکه ملت ما در معرض خطر فوق العاده ای قرار دارد، تنها از طریق وحدت داخلی است که ما میتوانیم تجا و ز امپریالیستهای ژاپنی را شکست دهیم. . . . ما سیاست تشویق به قیام برای سرنگون کردن رژیم گمیندان متوقف خواهیم کرد و جنبش شورائی کردن را موقوف سیاست مصادره زمینهای مالکان ارضی را تعطیل خواهیم نمود. . . . ارتش سرخ اسم و گزینش کنونی خود را تغییر خواهد داد و بعنوان قسمتی از ارتش ملی - انقلابی شناخته خواهد شد و تحت نظارت شورائی نظامی دولت ملی برای دریافت فرمان برای حرکت بسوی جبهه

ضد ژاپنی حاضر خواهد بود تا وظیفه اش را انجام دهد. *
باید یاد آوری کرد این اعلامیه شرایطی صادر گردید که گمیندان بر رهبری چیانگ کایچک در طی ۱۰ سال جنگ خونین داخلی به کشتار صد ها هزار تن از مردم و انقلابیون پر اکتمود. اما با وجود این واقعیتها - هنگام تجا و ز امپریالیسم ژاپن در ۱۹۳۳ رهبری صحیح حزب کمونیست چین با در و اندیشه و ارائه خط مشی جبهه متحد ملی دشمن دیرینه داخلی را وارد میکند که دست از سیاست جنگ داخلی بردارد و بر علیه دشمن اصلی به خواستهای ملت چین تن در دهد. در واقع حزب کمونیست چین تنها بر خلاف میل باطنی چیانگ کایچک - بطوریکه جانبا نه از تعرض متقابل از ایجاد درگیریه با گمیندان سر باز میزند بلکه با راییت تمام گمیندان را مجبور به تسلیم و برابر خواستهای مردم چین و سیاستهای صحیح خود میکند. پیروزی انقلاب چین خود دلیل بارز ارزنده ای بر صحت سیاستهای رهبران شایسته و انقلابی مردم چین بود. حال آیا میتوان از این تجربیات گرانبهای تاریخی آموخت؟ آیا حزب دموکرات و کوموله بعنوان دنیروی سیاسی که هر دو خود را مترقی و چپ میدانند، نمیتوانند دست از خصامات خونین بکشند؟ و آیا اگر در صورتیکه یکی از آنها را ادامه دگرگیریها و تعطیلات تلافی جویانه دشمن پسند اصرار ورزد، دیگری نمیتواند یک جانبه اعلام آتش بس از دگرگیریها اجتناب ورزد و نیروهای خود را بسوی جنگ با دشمن اصلی گسیل دهد؟ آیا مارکسیستها نباید فوق العاده واقع بین و انعطاف پذیر باشند و از تاریخ پند گیرند و از مسئولیتهای خود رو گردان نشوند؟ ممکن است برخی از درستان و رفقا ابراز درند که واضع کنونی در ایران با مبارزات نیم قرن پیش فرقی میکند و نخواهند از تاریخ آن دوران عبرت گیرند. اما مبارزات تاریخی بمشابه علمی است که میتوان از آن آموخت و در شرایط و واضع مشخص در حل مشکلات فامین از آن بهره مند گردید.

مبارزات پیچیده و فوق العاده ظریفی که در جبهه نظامی و دیپلماتیک موجب استقرار یک دولت مردمی، مستقل و انقلابی در زمینها و گردید نیز با استفاد از همین علم موفق و پیروز گردید تحت رهبری رابرت موگابه و سازمان زانوزاپوتوانستند با ایجاد یک جبهه متحد و مبارزات هماهنگ اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی را بکناری گذارند و رژیم نژاد پرست رود زیا را سرنگون کنند تا زمینها و مستقل با بر صدهای گذارد. یک نمونه بسیار ارزنده و ملموس در یگرمبارزات - مردم کا مپوچ بر علیه تجا و ز ۲۰۰ هزار سرباز ویتنامی و حکومت دست نشانده ویتنام در پنوم پن میباشد. در کا مپوچ سه نیروی کاملاً مختلف بر رهبری سون سن (دست راستی

درباره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران

افراطی، نورد و مسیها نوك (ملولیبیرال) وخیوسا مغان (مارکسیست) و رجیمه متحد کامیوجیای ن مکر اتیک به ایچا د یک د ولت ائتلافی پرد اختند. اتحاد این سه گروه کاملاً ناهمگون را در شرایط کنونی برای بیرون راندن قوای تجار و زکرویتنامی و سرنگون کردن دولت دست نشانده، چگونه میتوان تفسیر نمود؟ آیا اختلافات بین حزب مکر ات و کومله عمیق تر از اختلافات بین سه نیروی نامبرده در کامیوج است که توانسته اند در یک دولت ائتلافی و یک جبهه متحد بر علیه دشمن مشترک متحد گردند؟ آیا این تجربه یمنی و ملموس برای حزب مکر ات و کومله آموزنده نیست؟

امید است در سازمان رزمند در کردستان متوجه مسئولیتهای خطیر خود گردند و از تجربیات ذکر شده تاریخی پند گیرند و در مبارزه برای سرنگونی دشمن اصلی مردم ایران دست از مواضعات و درگیریهای فرعی بکشند. در عین حال اگر یکی از نیروها با این امر مبارزت نورزد بجاست نیروی دیگر قد مپینش بگذارد و با گسترده کردن مبارزات قهرمانان مبر علیهم السلام. ابه مردم کردستان و سایر نقاط ایران در عمل نشان دهد که تا چه اندازه نسبت به انجام وظایف و مسئولیتهای کنونی برای آزادی ایران جدی و مصمم است. مردم ایران در این دوران تاریک و سخت کوچکترین برخورد ها و نظرات شمارا با دقت زیر نظر دارند. بیایید در راه پرافتخار آزادی و د مکر ایسی ایران به درگیریهای خونین و جنگ براد رکشی خاتمه دهید. آن نیروی که شرافتمندانه تمام هم و غم خود را معطوف به مبارزه با دشمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم جمه وری اسلامی کند، منجی ایران خواهد شد.

ز - سخن آخر

در این میبحث ما به چه نتایجی دست یافته ایم؟ ما به ایسن نتیجه رسیدهایم که روشنفکران و رهبران ما در اپوزیسیون به علت عدم تشخیص تضاد های عمده جامعه ایران نتوانسته اند بروشنی در باره دشمن اصلی مردم ایران موضع گیری کنند و از این طریق روابط خود را با دشمن اصلی و دشمنان حقیقی تنظیم نمایند. بنابراین این اشخاص نشریات رنگارنگ خود را زمین به شعارهای گوناگون چون سرنگون باند رژیم جمهوری اسلامی، "مرگ بر خمینی"، "ایران هرگز نخواهد مرد"، "مرگ بر خمینی" شعار محوری کنونی و... مینمایند اما از پیاده نمودن شعار دشمن اصلی مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی اباد آرند. چرا زیرا اگر باین شعار اعتقاد داشته باشند و بخواهند عملاً آنرا پیاده کنند در آن هنگام نمیتوانند در مورد مسایل ایران، اپوزیسیون

و جهان بطور صحیح برخورد نمایند و خط فاصل روشنی بین نوستا واقعی و دشمن اصلی بکشند و همه را با یک چوب نرانند و اعمالی را انجام دهند که به درگیریهای خونین و جنگ براد رکشی بیانجامد. بنابراین در شرایطی که در اثر خطاها در روشنفکران و رهبران مردم ایران را ویران و ملت را اسیر نمود، وظیفه فوری یکا یک نیروهای مبارز و آزاد بخواد در اینست که بطور صریح و روشن کلیه ترندها و تزلزلها و سخنان بی پایه و بی محتوی را بد ورافکنند و در مقابل دشمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم جمه وری اسلامی قاطعانه موضع گیری کنند.

بگذارتیرها را به در ف بزیم! بگذار از مواضعات فرعی و غیر عمد مپرهیز کنیم! بگذار برای آزادی ایران عزیز و ریند بسوی دشمن اصلی جنایتکاره هجوم آوریم.

جمشید آریانپور

یادداشتها

- ۱- مجاهد شماره ۲۵۱، اطلاعیه شورای ملی مقاومت ۱۳۶۴/۳/۱
- ۲- مجاهد شماره ۲۵۲
- ۳- قطعنامه نشست وسیع کمیته مرکزی کومله در باره جنگ جاری میان حزب مکر ات و کومله تیرماه ۱۳۶۴

بقیه از صفحه ۲

بقیه وظیفه خطیر ما

مشت و چماق، یا تهدید و اوعاب هر صدای اعتراض را در گلخفه سازند. باید حقیقت را عیان کرد تا کی باید به سرور و پراز مبارزات مکر اتیک سخن گفت؟ تا کی باید مردم را فریب داد تا کی باید با لاف و کزاف وعده سرنگونی رژیم را در چنند ما آیند؟ آیا اپوزیسیون ایران بیمار نیست؟ آیا هنگام آن فرارسیده که دست از اینهمه مسل و نباله روی و تحسین و ستایش یک جان به برداشته و با کسانی که در زمینه های سیاسی، فرهنگی، هنری و... برخلاف تبلیغات دامنه دار کنونی - بزرگترین ضربه ها را بر جنبش آزادیخواهان و مکر اتیک مردم ایران وارد کرده اند به مبارزه برخاست. تا کی باید از خوردن فاقی شدگان و گلهای سرسبید و مطرح شد های که در همه جا حی و حاضرند و اکثریت نباله رویان را تا ناید میکنند، حمایت کرد؟ تا زمانیکه این رمالان و دلان سیاسی بر اپوزیسیون حاکمان و مکر اسی و آزادیخواهی در درون اپوزیسیون سرکوب میگردند، کوچکترین امید به سرنگونی رژیم وجود ندارد. باید بر علیه سنتها و ضد مکر اتیک موجود شورش کرد و به افشای همه جا نیه سیاستها و روابط غلط این آقایان پرداخت! زیرا تنها از این راهست که میتوان بد رستی در مسیر مبارزات مکر اتیک و آزادیخواهان مبر علیهم السلام اصلی مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی قدمی به پیش بگذاریم. ما بلطفی و ظرد کلیه روابط غلط و ضد مکر اتیک موجود در راهی نارفته و نوقدم گذارده ایم. ما مصممیم علی رزم شواربهای بسیار بر راه خود ادا مپهیم امید است در این راه بزرگ با همگامی و همراهی سایر نیروهای آزادیخواه و مبارزیتوانیم در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار مکر اسی و آزادی در ایران به وظایف خطیر خود جامه عمل بپوشانیم. □

ما و خوانندگان

سرمد بیرمحترم :

"آزادی ایران" در شماره‌های ۱۱ و ۱۲ در بخش "نگاهی بر مطبوعات و اعلامیه‌های خارج از کشور" در ردیف "مطلب" یک اندرز در لسوزانه و "زمان نوونامه آقای جمالزاد" و آقای جمالزاد را بعرض اعلیٰ برد و نظریا وین را مورد تأیید قرار داد است.

در صورتیکه نشریه "آزادی ایران" از اولین شماره روشنفکرانی که در رتائید و حمايت از رژیم جمہوری اسلامی نقش داشته‌اند را مورد انتقاد قرار داد و کوشش بخرج داده تا آنکسانی که از اسلام خمینی دفاع کردند، اما اکنون تمام هم خود را بکار میبرند تا آنرا کتمان کنند و افشا کنند، چرا توجہی به مواضع سید علی جمالزاد در حمایت و طرفداری از رژیم اسلامی نمی‌افکنند و ایشان ناگهان "لسوز" و "واقع بین" شده‌اند.


برای اطلاع شما و سایر نیروهای مترقی باید متذکر شویم که: "آقای جمالزاد مشخصی است که - با وجود ارائه برخی از نوشته‌های ادبی که مورد بحث مان نیست - نزد یک به ۷۰ ساله و ورازی ایران زیسته و هنوز از رژیم جنایتکار جمہوری اسلامی طرفداری میکند. برای نمونه ایشان هر سال در سفارت جمہوری اسلامی در سوئیس به مناسبت ۲۲ بهمن من ۵۷ حضور بهم رسانند و بی‌سخنرانی میبرد ازند.

برای اطلاع شما و سایر دوستان آزادیخواه یکی از اعلامیه‌های سفارت را در این مورد میمانیم. مینمایم ۱۰ اخیرا نیز کمیته فرهنگی رژیم ضد فرهنگ و ضد ایرانی در تاریخ ششم بهمن ماه ۶۴ شماره ۶، با آوردن نام آقای جمالزاد در صفحه اول استفاده تبلیغاتی کرده و بدین نامه‌ای از وی میبرد ازند. آقای جمالزاد کمیته فرهنگی رژیم را مجله‌ای "بسیار رسود مند و آبرومند دانسته و آرزو کرده‌اند

خداوند یار و یار کارهای خیر و نافع که کیهان فرهنگی از آن جمله بشمار می‌آید باشد. من نمیدانم هر کسی از ایرانیان مترقی چرا از شخصی که در حال حاضر هم دست از طرفداری رژیم نمیکشد اینهمه جانبداری میکنند؟ آقای جمالزاد در اینجمله آن روشنفکرانی هستند که باید بطور همه جانبه مورد انتقاد شنید قرار گیرند و از روابط آنان با رژیم پرده برداشته شود. من از نشریه شما که با صراحت برخلاف بسیاری دیگر با تعداد نیاز مسا

در ستنبه موضوعی صحیح زد ما منتظرنا ششم توهمی نسبت به آقای جمالزاد در داشته‌باشد و متاسفم که در این مورد اشتباه کرده‌اید. امید وارم اولاً با درج نام من و ثانیاً با برخورد به این مسئله و انتقاد از خود نشان دهید که از میان مشکلات و همچنین حل آنان ابائی ندارید. با آرزوی پیروزی برای شما و سایر مبارزان راه آزادی.

پروانه - م
سوئیس ۲۵ نوامبر ۸۵


سازت جمهوری اسلامی ایران
تهران
پست شمال

۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ سر آغاز فصل جدیدی در تاریخ مبارزات مظلومین جهان است زیرا ملت ایران با بشر رسانیدن انقلاب با نکه بر ضایع نفس فرهنگی و مذهبی خود و بدون واسطی بسیار قدرتها ثابت کرد که هیچ نیروی تابع طاقت در برابر یک ملت به پا خواسته را ندارد.

اینکه نیز که پنج سال از آن تاریخ میگذرد مردم تازه از بند رسته ایران طبرستان و فشارهای اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی همچنان به مبارزه و تکامل خود ادامه میدهند.


برای بزرگداشت این پیروزی عظیم روز دوشنبه ۲۴ بهمن ماه صادقاً با ۱۳ تیر ۱۹۸۴ در محل سفارت گرد آمده و به سخنان استاد محمد علی جمالزاد گوش فرا میدهم.

شروع برنامه ۵ الی ۷ بعد از ظهر.

محل گرد همایی: سفارت جمہوری اسلامی ایران - برن

Thustressse 68
3006 BERNE

سازت جمہوری اسلامی ایران - برن



مواضع و یا متن سخنرانی آقای جمالزاد در سفارت جمہوری اسلامی یا خبر هستند، ما را آگاه سازند تا بتوانیم با مسئولیت و بطور اصولی به آنها برخورد کنیم. در ضمن متقابلاً این حق را برای آقای جمالزاد نیز قائل هستیم تا بتوانند در همین ستون نظرات خود را در این رابطه ابراز نمایند.

توضیح:
با توجه به نامه خانم پروانه - در سوئیس ما از صحت و سقم و چگونگی شرکت آقای جمالزاد در مراسم سالگرد ۲۲ بهمن من ۵۷ اطلاع دقیقی نداریم. اما ارسال نامه آقای جمالزاد به کمیته فرهنگی رژیم کاملاً صحت دارد.

هیئت تحریریه

در عین حال اگر خوانندگان محترم از

بقیه ما و خوانندگان

نشریه محترم "آزادی ایران"

با درود و آرزوی پیروزی برای شما، از آنجا که چندین پیش‌نشریه "آزادی ایران" به درج چاقوکشی حزب تود و اوکرتیک در جشن ومانیتیمرداخته و اعمال ضد مکرراتیک آنان را محکوم نمود، همچنین در مقالات متعدد خویش برخورد های ضد مکرراتیک را در روناپوزیسیون مورد انتقاد قرار داده است، خواهشمندم در صورت امکان در این رابطه به درج این نامه نیز اقدام نماید. تا با در یگر برخورد ها و شیوه های ضد مکرراتیک که در روناپوزیسیون به اشکال گوناگون وجود دارد هر چه بیشتر افشا و محکوم گردد.

در این زمینه روی سخن به آقای "م-سحر" شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران در تبعید می باشد که در وجود مکرراتیک خارج از کشور و محیط دانشجوئی "سپه"، "خشم انقلابی" خویش را با حمله و درگرددن و کتک زدن کسی که مخالف عقیده ایشان می باشد، به نمایش میگذارد. واقعا که ما بی تاسف است!

قضیه از این قرار است که در ریبی درگشت آقای ساعدی نویسنده بزرگ ایران، در میان انبوه اعلامیه ها و نوشته هایی که به حمایت از ایشان چاپ گردید، نوشته ای نیز با امضاء "پویا نوید" تحت عنوان "ساعدی هنرمند ارتجاعی یا مترقی؟" درج گردید.

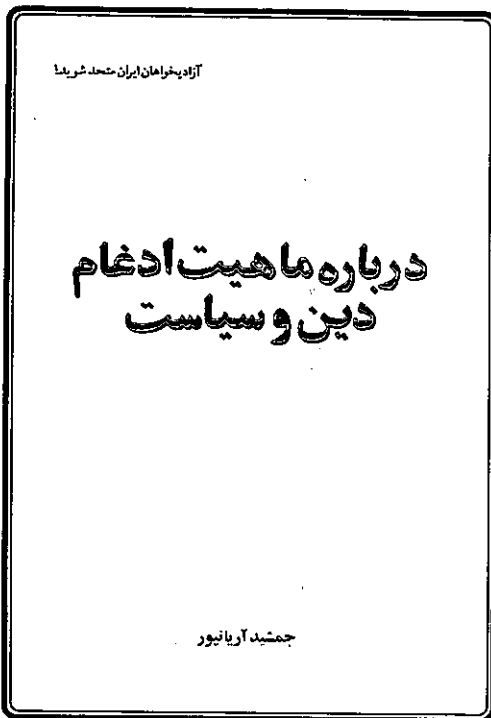
آقای "م-سحر" صرفا به علت اینکه موافق متن فوق نبود، به کسی که ایسن نوشته را در رسیده پخش می نمود، حمله و میگرد. که البته همان موقع در رسیده های با این شیوه برخورد مخالفت میکنند و این عمل را محکوم میکنند. در این میان آخر باید پرسید: این شیوه ها و وسط ورکلی نفس این اعمال چه فرقی با شیوه سرکوب و ارباب و

تهدید "حزب الله" و "حزب تود" دارند؟
من با اینکه شناختی از نویسنده آن متن ندانم و حتی با خیلی از تحلیل ایشان در مورد ساعدی موافق نیستم، اما عمل ضد مکرراتیک آقای "م-سحر" را بشدت

محکوم میکنم و باید به افشای هر چه بیشتر چنین روابطی پرداخت، باشد که از این طریق این برخورد ها تکرار نگردد.

دوستدار شما
نادری
۱۴ سامبر ۸۵

جزوه "در باره ماهیت ادغام دین و سیاست"
بقلم جمشید آریانیور منتشر شد.



در باره ماهیت ادغام دین و سیاست

آزادیخواهان ایران متحد شوید!

جمشید آریانیور

نشریات دریافتی :

- ۴- شماره ۴۰ "ایران آزاد" نشریه جبهه ملی ایران در اروپا
- ۵- شماره ۱۵ "راه آینه"
- ۶- شماره غیر یولتن در فترهما هنگسی جامعه های دفاع از حقوق بشر
- ۷- شماره ۸۶ نشریه "جبهه"
- ۸- شماره ۱۶ "نبرد خلق"
- ۹- شماره های ۳۲ و ۳۴ "خروش موحد" همراهما گزیده های از اخبار و اعلامیه

- از طرف احزاب، سازمانها، گروهها و نیروهای مختلف اپوزیسیون، نشریات و اعلامیه ها و اخباری به نشانی "آزادی ایران" ارسال شده است. با تشکر از همگی در استان اسامی تعدادی از آنان را منعکس مینمائیم:
- ۱- کمونیست شماره ۳۳، شماره های ۹ و ۸ های پیشرو و ضمیمه آن، رسانه های ۱۵ و ۱۶ و شماره ۱۰۸ الی ۱۱۲ اعلامیه های در فتر نمایندگی

کومله در خارج از کشور

- ۲- اطلاعیه اعلام موجودیت "کمیته همبستگی با کردستان" و اساسنامه آن همراهما چند اعلامیه
- ۳- شماره های ۱۰۷ و ۱۰۸ "کوردستان" و بولتنهای خبری حزب در مکررات از شماره

۱۳۸ الی ۱۳۲

دوستان عزیز!

به این آدرس با ما مکاتبه نمایید:

SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX, FRANCE

بقیه از صفحه ۷

ساعدی آینه...

اشتباه آمیز و خطاهای خود را بپوشانند. در این رابطه هر خود به ساعدی از آن جایی حائز اهمیت و قابل توجه می باشد که وی در واقع آئینه تمام نمای بسیاری از روشنفکران و نویسندگان معاصر ایران است. آنهایی که خود را بیک سروگردن از دیگران بالا تر می پندارند و بقول معروف "گل سرسب" جامعه اند و مرتباً از هنر "مترقی" و هنرمند انقلابی و متعهد و رسالت خویش در قبال خلق ستم دید ه ایران و کل بشریت تحت ستم سخن میرانند. در این میان استثنا هائی نیز وجود دارند که به آرای به کار خویشتن مشغول هستند و برخلاف جریان حرکت میکنند. در این جا رواست که از خانم همای ناطق نامبرد که به مناسبتها ن مختلف بسا شهادت از خود انتقاد نمود ه است. وی در یکی از سخنرانیهای خود بد رستی و با صراحت از نقض سازمانها و روشنفکران در روی کار آوردن رژیم جمهوری اسلامی انتقاد کرد و با اشاره به آگاهی " روشنفکران" از نقض مخرب روحانیون در دوران مشروطیت و کودتای رضا خان و کودتای ۲۸ مرداد چنین نتیجه گیری نمود:

"... ما شمارهای حزب تود ه را تکرار کردیم، پیوستیم به مظاهرات عاشورا و تاسوعا... حرف ما، همهلین نیروهای انقلابی، سازمانهای سیاسی و حزب توده و خمینی یکی بود. چه ایرادی در این به حکومتی که روی کار آورد بیپا کمک کرد بیروی کار بیاید. ما چه کار بود ه ایم... بنابراین در وستان نقد این حکومت به نقد خود مسا بر میگردد... ما در خطاهای حکومت سهیم بودیم و حالاً هم سهیم هستیم. کسی آمد و گفت خطی که ما داشتیم اشتباه بود، امروز چی عوض شده، کجا آمدن و گفتند اشتباه کردیم... همه ما تود ه ای هستیم

کجا روش ما ضد روش حزب تود ه بود. حزب تود ه رژیم را تأیید میکرد ما هم میکردیم... و در قسمتی دیگر میافزاید:

"... من در زمان خمینی تمام خیانتتم این بود که افشا نکردم گفتند که حقیقت را رانگو. تشکیلات مهمتر از واقعیت و حقیقت بود و مهمتر از تود ه ها و مردم و آیند ه مردم بود" مطالب فوق خود گویا تر از هر تفسیری در این مورد می باشد و بیانگر واقعیات تلخ و انکارناپذیری است که متناسفانه بسیار سعی در لوث نمودن آن دارند و این در حالست که خود ساعدی نیز در قسمتی از نوشته خود در الفبا شماره ۱ نوشته بود:

"سانسور رژیم جمهوری اسلامی قبل از بیست و دو مپهمن ما به نجاه و هفت و سه قدرت رسیدن الیگارش و همبراشی مذهبی طرح ریزی شد ه بود. یک چنین سانسوری در تاریخ اگر نه می نظیر که شاید کم نظیر باشد... بعد از انتشار اولین اعلامیه کانون نویسندگان ایران در تبر ما به نجاه و شش خمینی صراحتاً به آن اعتراض کرد و این نکته مهمی بود که از چشم بسیاری از انقلابیو راستین و روشنفکران ایرانی دور ماند."

ساعدی علیرغم بیان این مطالب هیچگاه به نقض خود و کانون نویسندگان در حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و تأیید خمینی به عنوان رهبر مبارزه ضد استعمار و استبداد انتقاد جدی ننمود و در خارج از کشور هم ادا ه همکاری با شورای ملی مقاومت نشان داد که این مطالب نیز بر پایه محکمی مبتنی نبود ه است. وون از تجربه اده قادمین و سیاست رژیم جمهوری اسلامی و نتیجه منطقی روند آن در سالها نگرفته بود.

بیهود نیست که آقای رجوی در پیغام تسلیت به مناسبت درگذشت ساعدی میگوید:

"شاد روان در کثر غلامحسین ساعدی برجستهمترین نمایشنامه نویس معاصر میهن

ما و یکی از چهره های درخشان نمایشنامه نویسی جهان بود... او برغم تمام فشارها که از جوانب مختلف بر او موضعگیری علیه مقاومت انقلابی وارد می آمد در حمایت این مقاومت پایرجا بود."

براستی آیا ساعدی از جوانب مختلفی تحت فشارهایی قرار داشت، اگر پاسخ مثبت است، باید سوال نمود که آنها چه جریانات و افرادی بودند؟

در قسمتی از گزارشی که در شماره ۶ نشریه آزادی ایران (اردیبهشت ماه ۶۴) به مناسبت برنامه جشن نوروز ریاریس درج شد ه بود، خطاب به آقای ساعدی آمده بود:

"سوالی که مخصوص پس از دیدن این نمایشنامه در ذهن بسیاری از بینندگان و حاضرین مطرح شد ه بود ه ای نیز آشکارا از آن سخن میگفتند، این است که شما که خود از بدین و مذهب در سیاست و هنر و نقض ارتجاعی و ضد مکرانیک آن به خوبی واقفید و تاثیر این رابطه ضد علمی و ضد مردمی را در جمهوری اسلامی میدانید و آنرا نیز با مهارت به نمایش میگذارید، همکاری خود با "شورای ملی مقاومت" که در واقع در سالود ه ریزی و ایجاد حکومت مذهبی

در یگری تحت عنوان "جمهوری مکرانیک اسلامی" تلاش میکند، را چگونه توجیه میکنید؟ و همچنین در نشریه شماره ۹ زمان نو (مرداد ۶۴) مطلبی بقلم س. س. را بی نگاشته شد ه که در قسمتی از آن روشنفکران، از جمله آقای ساعدی مورد انتقاد قرار گرفته بود. در ذیل قسمت های آن آورد ه میشود:

"... مگر مجاهد تنهاست؟ روشنفکران را چه میگوئی منظورم جوجه شاعران مدیحه سرانست که هم از توره میخورند و هم از آخور، با جدید الا سلامها نظیر اشاعیل خوبی و آریوش مهرجویی کاری ندارند... ای خواننده، غرضم نویسند ه سرشناس و



معتبری همچون فلا محسین ساعدی است . همو که در هر فرصت جوانان را از زیوستن به احزاب باز میداشت ، همو که خطا بالا تر حسن هدایت را آزادگی و افتادگی او میدانست ، امروز منت گره کرد بود رصف اول تظاهرات مجاهدین ، در سالگرد موسی و شرب ، حرکت میکند و بهرین من و تو میخندد . امروز همود رنشریه "شورا" قلم میزند و معلوم نیست که فردا چه خواهد گفت و چه خواهد نوشت . بر راستی که هر لحظه به شکلی بت عیار در میآید . . . اما ساعدی نمونه ای از تزلزل و عدم پایداری همه ما ایرانیان است ، جلوه تابناک فرهنگ ماست .

مجلسن ترجمیم نهد ، در روزنامه های وابسته و ارتجاعی کیهان و اطلاعات پیاپی بلند بالا به مناسبت درگذشت ساعدی چاپ میکنند و از مردم برای شرکت در مجلس ترجمیم وی دعوت بعمل میآورند .

در خاتمه با اشاره قسمتی از نوشته ساعدی در الغیا شماره ۱ و ارائه آگهی های مند رج در نشریات رژیم در رابطه با مرگ ساعدی قضاوت بیشتر بر عهد خوانندگان واگذار میشود .

محض از همگان میخواست و کوچکترین مخالفتی را بزرگترین جسارت میدانست و هر کسی را که طرفدار زندگی بود و زندگی را ستودن هانش را با گلوله میبست و این راه روش همچنان ادامه دارد . در ایران امروز تنها کسی حق زندگی دارد که طرفدار و مدافع مرگ باشد . . . رژیم جمهـوری اسلامی امروز با ارحم سانسور و دست زدن های علمی و فرهنگی ، از حد سانسور زندگی فراتر نهاد ، عمل زندگی را تعطیل کرد هاست . □

آگهی های مند رج در نشریات رژیم

بدریغ درگذشت دکتر غلامحسین ساعدی نویسنده نامدار ایران را به آگاهی عموم میرساند مراسم ترجمیم از ساعت ۱۰ تا ۱۲ بهدواز ظهر روز پنجشنبه ۱۳۶۴ در مسجد حجتان الحسن (عج) واقع در خیابان سهوردی شمالی جنب کلاتری ۴ برگزار می شود .

موجبه آنتی - داریوش آشوری - عبدالحمید ابوالحداد - مهدی آخوان ثالث - علیرضا اسپهبد - حسن اسدی - اصلاص اصلاصان - آیدین آغداشلو - علی اکبر اکبری - عزت الله انتظامی - محمد ایوبی - مقون امینی - رضا پراهنی - محمدتقی پراهنی - محمدرضا باطنی - سیدین بهیانی - مبین بهرامی - مهدی بهشتی پور - مسعود بهنود - بابک بیات - بهرام بیضایی - غ باطنی - محمد پاینده - باقر بهرام - حسین بیستا - بزگور جعفر - هوشنگ پورشریعی - ناصر تقوایی - فرخ قصبی - هوشنگ حسامی - غلامحسین خلیلی - سیدین اشور - مجید دانش آراسته - نجف دریابندری - محمود رضادرویشی - بهروز دولت آبادی - محمود دولت آبادی - فهیمه راستگر - اکبر رادی - رضا رضازاده لنگرودی - فریبرز رئیس دانا - داود رشیدی - امین الله رضایی - حمید رشیدی - ایراهیم رهبر - جعفر روح بخش - هرمز یاجی - ایراهیم زالپناه - ناصر زراعتی - محمدعلی سالی - کاظم سادات اشکوری - محمدعلی سیانلو - مهدی صابلی - فرامرز سلیمانی - غنایت سیمینی - جلال سوسن آبادی - رضا سیفحسینی - فرخ سیفبیزاده - احمد شاملو - شاکریکتا - فریدون شایان - یوسف شریعتهزاده - هروز شیروانو - غلامحسین صالحیار - فرح الله صبا - علی اکبر صفاتیان - سیروس طاهیان - فرامرز طالبی - احمد عالی - بهرام عالیوندی - فرهاد عالیوندی - حسین علیزاده - حسن فدائی نیا - باجلان فرخی - شاهین فرخت - علی فرخت - داریوش فرهنگ - محمد قاضی - محمد قائمشربی - احمد کبیرا - محمدعلی کشاورز - رضا کریمزاد - سیدکامران عبدالله کورتی - مسعود کبیرانی - فریوز گوران - هوشنگ گلشیری - محمد محمدعلی - احمد محمود - جواد مجابی - محمدختاری - حسن مرندی - محمود مرندی - اسماعیل مرضاتی - سیروس مشتقی - حمید صدیق - محمود مشرف آراسته - حسن میرحیدر - مسعود میناوی - داریوش مهرجویی - مسعود میاجر - عبد شامینی - ابوالحسن نجفی - محمد نوری - علی نصیریان - سیروس نوری - جعفر و آبی - اصغر وادعی .

بدریغ درگذشت دکتر غلامحسین ساعدی نویسنده نامدار ایران را به آگاهی عموم میرساند مراسم ترجمیم از ساعت ۱۰ تا ۱۲ بهدواز ظهر روز پنجشنبه ۱۳۶۴ در مسجد حجتان الحسن (عج) واقع در خیابان سهوردی شمالی جنب کلاتری ۴ برگزار می شود .

موجبه آنتی - داریوش آشوری - عبدالحمید ابوالحداد - مهدی آخوان ثالث - علیرضا اسپهبد - حسن اسدی - اصلاص اصلاصان - آیدین آغداشلو - علی اکبر اکبری - عزت الله انتظامی - محمد ایوبی - مقون امینی - رضا پراهنی - محمدتقی پراهنی - محمدرضا باطنی - سیدین بهیانی - مبین بهرامی - مهدی بهشتی پور - مسعود بهنود - بابک بیات - بهرام بیضایی - غ باطنی - محمد پاینده - باقر بهرام - حسین بیستا - بزگور جعفر - هوشنگ پورشریعی - ناصر تقوایی - فرخ قصبی - هوشنگ حسامی - غلامحسین خلیلی - سیدین اشور - مجید دانش آراسته - نجف دریابندری - محمود رضادرویشی - بهروز دولت آبادی - محمود دولت آبادی - فهیمه راستگر - اکبر رادی - رضا رضازاده لنگرودی - فریبرز رئیس دانا - داود رشیدی - امین الله رضایی - حمید رشیدی - ایراهیم رهبر - جعفر روح بخش - هرمز یاجی - ایراهیم زالپناه - ناصر زراعتی - محمدعلی سالی - کاظم سادات اشکوری - محمدعلی سیانلو - مهدی صابلی - فرامرز سلیمانی - غنایت سیمینی - جلال سوسن آبادی - رضا سیفحسینی - فرخ سیفبیزاده - احمد شاملو - شاکریکتا - فریدون شایان - یوسف شریعتهزاده - هروز شیروانو - غلامحسین صالحیار - فرح الله صبا - علی اکبر صفاتیان - سیروس طاهیان - فرامرز طالبی - احمد عالی - بهرام عالیوندی - فرهاد عالیوندی - حسین علیزاده - حسن فدائی نیا - باجلان فرخی - شاهین فرخت - علی فرخت - داریوش فرهنگ - محمد قاضی - محمد قائمشربی - احمد کبیرا - محمدعلی کشاورز - رضا کریمزاد - سیدکامران عبدالله کورتی - مسعود کبیرانی - فریوز گوران - هوشنگ گلشیری - محمد محمدعلی - احمد محمود - جواد مجابی - محمدختاری - حسن مرندی - محمود مرندی - اسماعیل مرضاتی - سیروس مشتقی - حمید صدیق - محمود مشرف آراسته - حسن میرحیدر - مسعود میناوی - داریوش مهرجویی - مسعود میاجر - عبد شامینی - ابوالحسن نجفی - محمد نوری - علی نصیریان - سیروس نوری - جعفر و آبی - اصغر وادعی .

میشود و چه ردی را در مان میکند ؟ استناد به مطالب فوق نشان میدهد که سوالات و انتقادات مشابهی در زمان حیات وی نیز مطرح شد بود که متاسفانه از جانب آقای ساعدی بدون جواب باقی ماندند . مردم ما به علت عواقل بسیاری از جمله ختناسی و دیکتاتوری رژیم پهلوی همواره از واقعیتها سیاسی - تاریخی و فرهنگی بی خبر و غافل بود هاند و در این میان نویسندگان و روشنفکران ایرانی به نقش و رسالت تاریخی خود عمل نکرد هاند . آیا هنگام آن فرانسویده است که سید ها را بشکیم و قید و بند ها و روابط

درگذشت نابینگم پزشک عالیقدر و انسان وارسته دکتر غلامحسین ساعدی را به اطلاع عموم میرساند مراسم ترجمیم از ساعت ۱۰ تا ۱۲ بهدواز ظهر روز پنجشنبه ۱۳۶۴ در مسجد حجتان الحسن (عج) واقع در خیابان سهوردی شمالی جنب کلاتری ۴ برگزار می شود .

موجبه آنتی - داریوش آشوری - عبدالحمید ابوالحداد - مهدی آخوان ثالث - علیرضا اسپهبد - حسن اسدی - اصلاص اصلاصان - آیدین آغداشلو - علی اکبر اکبری - عزت الله انتظامی - محمد ایوبی - مقون امینی - رضا پراهنی - محمدتقی پراهنی - محمدرضا باطنی - سیدین بهیانی - مبین بهرامی - مهدی بهشتی پور - مسعود بهنود - بابک بیات - بهرام بیضایی - غ باطنی - محمد پاینده - باقر بهرام - حسین بیستا - بزگور جعفر - هوشنگ پورشریعی - ناصر تقوایی - فرخ قصبی - هوشنگ حسامی - غلامحسین خلیلی - سیدین اشور - مجید دانش آراسته - نجف دریابندری - محمود رضادرویشی - بهروز دولت آبادی - محمود دولت آبادی - فهیمه راستگر - اکبر رادی - رضا رضازاده لنگرودی - فریبرز رئیس دانا - داود رشیدی - امین الله رضایی - حمید رشیدی - ایراهیم رهبر - جعفر روح بخش - هرمز یاجی - ایراهیم زالپناه - ناصر زراعتی - محمدعلی سالی - کاظم سادات اشکوری - محمدعلی سیانلو - مهدی صابلی - فرامرز سلیمانی - غنایت سیمینی - جلال سوسن آبادی - رضا سیفحسینی - فرخ سیفبیزاده - احمد شاملو - شاکریکتا - فریدون شایان - یوسف شریعتهزاده - هروز شیروانو - غلامحسین صالحیار - فرح الله صبا - علی اکبر صفاتیان - سیروس طاهیان - فرامرز طالبی - احمد عالی - بهرام عالیوندی - فرهاد عالیوندی - حسین علیزاده - حسن فدائی نیا - باجلان فرخی - شاهین فرخت - علی فرخت - داریوش فرهنگ - محمد قاضی - محمد قائمشربی - احمد کبیرا - محمدعلی کشاورز - رضا کریمزاد - سیدکامران عبدالله کورتی - مسعود کبیرانی - فریوز گوران - هوشنگ گلشیری - محمد محمدعلی - احمد محمود - جواد مجابی - محمدختاری - حسن مرندی - محمود مرندی - اسماعیل مرضاتی - سیروس مشتقی - حمید صدیق - محمود مشرف آراسته - حسن میرحیدر - مسعود میناوی - داریوش مهرجویی - مسعود میاجر - عبد شامینی - ابوالحسن نجفی - محمد نوری - علی نصیریان - سیروس نوری - جعفر و آبی - اصغر وادعی .

درگذشت نابینگم پزشک عالیقدر و انسان وارسته دکتر غلامحسین ساعدی را به اطلاع عموم میرساند مراسم ترجمیم از ساعت ۱۰ تا ۱۲ بهدواز ظهر روز پنجشنبه ۱۳۶۴ در مسجد حجتان الحسن (عج) واقع در خیابان سهوردی شمالی جنب کلاتری ۴ برگزار می شود .

موجبه آنتی - داریوش آشوری - عبدالحمید ابوالحداد - مهدی آخوان ثالث - علیرضا اسپهبد - حسن اسدی - اصلاص اصلاصان - آیدین آغداشلو - علی اکبر اکبری - عزت الله انتظامی - محمد ایوبی - مقون امینی - رضا پراهنی - محمدتقی پراهنی - محمدرضا باطنی - سیدین بهیانی - مبین بهرامی - مهدی بهشتی پور - مسعود بهنود - بابک بیات - بهرام بیضایی - غ باطنی - محمد پاینده - باقر بهرام - حسین بیستا - بزگور جعفر - هوشنگ پورشریعی - ناصر تقوایی - فرخ قصبی - هوشنگ حسامی - غلامحسین خلیلی - سیدین اشور - مجید دانش آراسته - نجف دریابندری - محمود رضادرویشی - بهروز دولت آبادی - محمود دولت آبادی - فهیمه راستگر - اکبر رادی - رضا رضازاده لنگرودی - فریبرز رئیس دانا - داود رشیدی - امین الله رضایی - حمید رشیدی - ایراهیم رهبر - جعفر روح بخش - هرمز یاجی - ایراهیم زالپناه - ناصر زراعتی - محمدعلی سالی - کاظم سادات اشکوری - محمدعلی سیانلو - مهدی صابلی - فرامرز سلیمانی - غنایت سیمینی - جلال سوسن آبادی - رضا سیفحسینی - فرخ سیفبیزاده - احمد شاملو - شاکریکتا - فریدون شایان - یوسف شریعتهزاده - هروز شیروانو - غلامحسین صالحیار - فرح الله صبا - علی اکبر صفاتیان - سیروس طاهیان - فرامرز طالبی - احمد عالی - بهرام عالیوندی - فرهاد عالیوندی - حسین علیزاده - حسن فدائی نیا - باجلان فرخی - شاهین فرخت - علی فرخت - داریوش فرهنگ - محمد قاضی - محمد قائمشربی - احمد کبیرا - محمدعلی کشاورز - رضا کریمزاد - سیدکامران عبدالله کورتی - مسعود کبیرانی - فریوز گوران - هوشنگ گلشیری - محمد محمدعلی - احمد محمود - جواد مجابی - محمدختاری - حسن مرندی - محمود مرندی - اسماعیل مرضاتی - سیروس مشتقی - حمید صدیق - محمود مشرف آراسته - حسن میرحیدر - مسعود میناوی - داریوش مهرجویی - مسعود میاجر - عبد شامینی - ابوالحسن نجفی - محمد نوری - علی نصیریان - سیروس نوری - جعفر و آبی - اصغر وادعی .

غلطی که ریشه در گذشته دارد ، رابه دور افکنیم و در شرایط دیکتاتیک خارج از کشور به وظیفه و مسئولیت خطیر خود پی برده و با دامن زدن به بحثهای خلاق و دست یابی به ریشه انحرافات از تجربیات تلخ گذشته درس بیاوزیم !

مرگ چنین مرد ، نه کاری است خرد بامرگ دکتر غلامحسین ساعدی (که همراهِ) جامه فرهنگ ایران پزشکی استادوست ، نویسنده ای خواسته و بدعت گذار و روزنامه نگاری جور و آراسته داد . به مناسبت درگذشت او روز پنجشنبه فردا ۱۳۶۴ از ساعت ۱۰ تا ۱۲ بهدواز ظهر در مسجد حجتان الحسن (عج) واقع در خیابان سهوردی شمالی مراسمی برپا خواهد بود .

سیلک پارسی

مرگ چنین مرد ، نه کاری است خرد بامرگ دکتر غلامحسین ساعدی (که همراهِ) جامه فرهنگ ایران پزشکی استادوست ، نویسنده ای خواسته و بدعت گذار و روزنامه نگاری جور و آراسته داد . به مناسبت درگذشت او روز پنجشنبه فردا ۱۳۶۴ از ساعت ۱۰ تا ۱۲ بهدواز ظهر در مسجد حجتان الحسن (عج) واقع در خیابان سهوردی شمالی مراسمی برپا خواهد بود .

سیلک پارسی

بناهای ناسف درگذشت روزنامه نگار ، هنرمند و نویسنده شهر معاصر ایران دکتر غلامحسین ساعدی را به اطلاع عموم میرساند . ضمن عرض تسلیت به خانواده آن مرحوم بدینوسیله با اطلاع میرساند که مجلس ترجمیم آن شادروان در تاریخ ۱۳۶۴ ساعت ۱۰ تا ۱۲ بهدواز ظهر در مسجد حجتان الحسن (عج) واقع در خیابان سهوردی شمالی روبروی کلاتری ۴ واقع خواهد بود .

رئیس انجمن روزنامه نگاران ایران دکتر حسن مثنائی

بناهای ناسف درگذشت روزنامه نگار ، هنرمند و نویسنده شهر معاصر ایران دکتر غلامحسین ساعدی را به اطلاع عموم میرساند . ضمن عرض تسلیت به خانواده آن مرحوم بدینوسیله با اطلاع میرساند که مجلس ترجمیم آن شادروان در تاریخ ۱۳۶۴ ساعت ۱۰ تا ۱۲ بهدواز ظهر در مسجد حجتان الحسن (عج) واقع در خیابان سهوردی شمالی روبروی کلاتری ۴ واقع خواهد بود .

رئیس انجمن روزنامه نگاران ایران دکتر حسن مثنائی

بقیه از صفحه ۲۴

سیستم آموزشی و . . .

ورفع این پدید هـ خطرناک است. پدید های که در صورت ادامه وضع برضوال کنونی موجب خواهد شد، تاوان سنگینی را درآینده به بهره ازیـم .

و در ادامه سخنان یکی دیگر از عوامل "افت تحصیلی" را جذب تعدادی از دبلمه های پشت کنکوره وزارت آموزش و پرورش و اشتغال افراد کم سن و سال و بی تجربه و فاقد صلاحیت برای تدریس در دوره های مختلف تحصیلی ذکر میکند. در نتیجه عواقبی که با حضور افراد کم سواد و بی اصطلاح متعهد و "مکتبی" در راس امور قرار گرفتن آنها حاصل میشود، نتیجه منطقی چنین شیوه هایی است. یکی دیگر از دبیران که ادبیات فارسی تدریس میکند، علل پائین آمدن سطح معلومات دانش آموزان را پدید هـ جدیدی نمیداند که فقط زاییده امروز باشد و ریشه آن را در گذشته میدانند که در سالهای اخیر چشمگیرتر شد است. وی بد رستی کل سیستم آموزشی را مورد سسوال قرار داد و میگوید: "یکی از علل عمده البته نظرمـن سیستم تعلیم و تربیت است یعنی نظام آموزش و پرورش که بر مدارس مسـه حکم فرماست و . . ."

از دل د یگر که سـجریه پائین آمدن سطح معلومات دانش آموزان گذشته است و از ظرف پاسخ دهندگان برشمرده میشود، عدم مدیریت صحیح، عدم کارآیی، عدم آینده نگری، روش تدریس نادرست و نحوه جـران غلط تعلیم و تربیت را میتوان نام برد .

همچنین به تغییر متون درسی و گنجاندن مطالب جدیدی در آنها اشاره میشود که تقریباً این تغییرات هر ساله انجام میگردد و این مسئله مشکلاتی برای دبیران مربوطه و همچنین دانش آموزان ایجاد میکند و در برخی از موارد به الگو برداریهای ناپـاجـا و عدم تطبیق آن با شرایط و مشخصات خاص

جامعه ایران، اشاره شد که تاثيرات سوئی بسیار آورد هـ است .

در قسمتی دیگر از گزارشات فوق "عدم تامین نیازهای اساسی معلمان"، عامل دیگر شدت بخشیدن به "افت تحصیلی" خوانده میشود و از قول یکی از معلمین نقل میشود که باید این واقعیت محض را پذیرفت که معلم نقشی اصلی را در آموزش و پرورش دارد. به این معنی که در صورت وجود بهترین نظام آموزشی و بهترین کتب درسی برای تعلیم و تربیت، ما دام که معلمی کارآزموده، مجرب و باسواد و متعهد این بهترین ها را بر عهد نگیرد، موفق نخواهیم بود .

بدین ترتیب تمام کاسه و کوزه ها سر معلم شکسته میشود یعنی اینکه عامل اصلی تمام این نابسامانی ها معلم است که "رکن اصلی آموزش و پرورش" محسوب میگردد. البته در نیال مطلب به عواملی چند در این رابطه اشاره شد هـ است از آن جمله "کم اعتنائی مسئولان امر نسبت به خواسته های معلمان" و "عدم تامین معاش معلمان" و در نتیجه روی آوردن آنان به شغل دیگری یا "درآمد معقول تر" را میتوان برشمرد. در نتیجه مشکلات و گرفتاریهای رفاهی معلمان با آنها شواربها و غـدغه خاطر هـا در لیلی دیگری برد لسردی معلمان نسبت به کارشان و در نتیجه تاثيرگذاری آن در امر تحصیلی دانش آموزان بحساب آورده میشود. در مورد دی دیگر به وضعیت اقتصاد خانوانه دانش آموزان و اینکه برخی از دانش آموزان بعلت عدم امکانات مادی مجبوره کار کردن هستند و در نتیجه وقت کافی برای یادگیری دروس ندارند، پرداخته میشود. همچنین از نبودن رابطه لازم و درست بین معلم و دانش آموز و سوءاستفاده های از دانش آموزان از جـو حـا کم و تهـدید برخی از دبیران مجرب توسط دانش آموزان "حزب الهی" یاد میشود و از عدم امکانات و فضای مناسب

آموزشی و سلب آزادی عمل و محدودیت های بسیاری از معلمان سخن میرود و تاکیسد میگردد که "افت تحصیلی" آینده فرهنگی را به مخاطر هـ جدی می اندازد ."

آیا برآستی هدف از درج چنین مقالاتی در یکی از روزنامه های وابسته رژیم حاکم از "واقع بینی" و "نشانه" د لسوزی "مسئولین مربوطه را این مورد است؟ و واقعاً هدف دست یافتن به علل و عوامل اصلی "افت تحصیلی" و عواقب و عوارض ناشی از آن میباشد؟ یا اینکه خیسردرپس تمام این سرو صد اها و تبلیغات عامل اصلی و عمد های که مسبب تمام این دشواریها و نابسامانیهاست یعنی کل سیستم و نظام آموزشی تحت چنین رژیمی سرپوش گذارد هـ میشود .

همانگونه که ملاحظه میشود با توجه به مطالبی که عنوان شد و نمونه هایی که ذکر گردید. انعکاس گزارشات و مقالاتی از این نوع در عین حال که منعکس کنند هـ گوشه ای از واقعیات در دنیا و تلخ وضع آموزش و پرورش در زمین درینند مان میباشد، در ضمن از کوشش جناحی از رژیم و رقابتها و تضاد های موجود در درون حاکمیت نیز ناشی میشود که گزارشگر سعی نمود هـ است، با ارائه مشکلات و نمونه های ملموسی در این زمینه، در واقع ضعف و عدم صلاحیت و کارآیی برخی از مسئولین و مقامات مربوطه را نیز یاد آور گردد. ولی این امر به هیچ وجه نمیتواند لیلی بر تائید "د لسوزی" و "توجه" و "علاقه" عد های دیگر از مسئولین نسبت به امر خطیر آموزش و پرورش و سرنوشت کودکان و نوجوانان باشد. جد اکردن مسئله "افت تحصیلی" و علم کردن آن بعنوان "پدید های خطرناک" و در دنیا، با توجه به علل و عوامل متعدد دی که برای آنها شمرده میشود. ضمن اینکه اجبار و تلوری از واقعیات کنونی میباشد، در عین حال بسیار حساب شده و دقیق تهیه و تنظیم میگردد و در دسترس خوانندگان

قرار میگیرد ، در حقیقت همه چیز گفته میشود ولی در اصل عوامل مدبهران میگردند .
 و در ظاهر یا ارائه لایله بسیار "منطقی"
 نتیجه گرفته شود که مقصرا اصلی نه کل سیستم آموزشی رژیم جمهوری اسلامی و گردانندگان آن در راس امور هستند ، بلکه عوامل فرعی متعدد دی نامبرد همیشه و یا لاخره معلمین و دبیران بعنوان مقصرین اصلی جلوه داده میشود .
 رژیم جمهوری اسلامی پس از مدتها تکونهای که از روی کار آمدن گذشت ، ماهیت واقعی خود را عیان ساخت . در سال تحصیلی ۶۰-۶۱ در مدارس بسیاری شاهد سرکوب شدید و دستگیری ، زندان و اعدام شد .
 زیاده از دبیران و معلمین و دانش آموزان مبارز و مخالف بودیم . کارکنان و دبیران بسیاری بعلمت مخالفت با رژیم از کار برکنار و مشمول "پاکسازی" و اخراج گشتند . سال تحصیلی ۶۱-۶۰ سال حاکمیت "حزب الله" در مدارس نامید شد و سرکوبها شدت بیشتری داد اما یافت وید نیال آن گسیل "مربیان آموزشی" یا عا وین "مسئولین امور تربیتی" و ایجاد "انجمنهای اسلامی" که در واقع کانال دیگری برای جاسوسی و شناسایی و کنترل دبیران و دانش آموزان مبارز و مخالف بود ، رواج گرفت . و در سالهای اخیر نیز بسا محو کلیه آزادیهها و اختناق شدید و بی نظیر که در ایران حاکم است ، مسلمان روز به روز شاهد اوضاع اسفناکتری خواهیم بود .

در رگزارش مزبور در قسمتی که مربوط به متون کتب درسی است ، بطور سریوشید ه از تغییر کتب درسی سخن میروید و این که بعامل وانگیزه اصلی آن اشاره شود . مسئولین آموزشی رژیمها تغییر و تعویض محتوی کتب درسی بخصوص در رشته های ادبیات فارسی علوم اجتماعی ، تاریخ و حذف مطالب ملی و تاریخی و ادبی بسیاری و جایگزینی آنها با احادیث و نوشته های مذهبی که به رواج خرافات و اعتقادات خشک مذهبی کمک میکند ، در قیقا ه دشمن نابودی فرهنگ ملی

و جلوگیری از رشد تفکرات علمی و مترقی میباشند . اشعار پرارزش بسیاری از شاعران از کتب درسی حذف میشود و جای آنها "شعر وادبیات دوران انقلاب" و "ادبیات دوران جنگ" و "معارف اسلامی" میگیرد و تمامی کوشش گردانندگان رژیم در جهت تبلیغ و ترویج اهداف و مقاصد ضد علمی ، ضد ملی و ضد مردمی رژیم کار گرفته میشود . شرکت در رنمازه ای جمعه و رفتن به جبهه های جنگ و امتیازات "شهادت" تشویق و ترویج میگردد . بسیار روشن است این چنینی برنامه ها نه تنها نتایج نامطلوب بسیاری به بار آورد ، بلکه غمگینانه در برداشتن و فرهنگ جامعه وارد میآورد و کتابهای ادبیات فارسی علیرغم وجود فرهنگ غنی و پر بار ایرانی فاقد آثار ادبی ، تاریخی و ملی میگردد و تنها به مطالب و برنامه های اختصا دراد همیشه که در جهت شستشو مغزی دانش آموزان و جوانان و تبلیغ و تقویت خرافات سوق دراد ه گردند .

امروز از حد و (۱۱ میلیون دانش آموز ایرانی ، یک میلیون آن را کودکان ۷ ساله تشکیل میدهند که به دانش آموزان "نسل انقلاب" ملقب شده اند و سال تحصیلی خود را در شرایطی آغاز نمود ه اند که آغاز ششمین سال جنگ ایران و عراق "هفته جنگ" مصادف بود و در عین حال با برگزاری مراسم "عاشورای حسینی" نیز همزمان بود .
 تجسم چنین فضای مسموم کننده و آلوده برای نونهالان ما و سازندگان فردای ایران تا چه اند از در ناک و مایه تاسف است ؟
 سید کاظم اکرمی وزیر آموزش و پرورش رژیم علمی پیامی بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۶-۶۵ چنین بیان میکند : "در مهرماه فرزندان انقلاب بمدرسه میروند ، نسلی که باید مد رسه هاش ، مسجد و مسجدش مد رسه و معلمش الگویی از ما باشد . (کیهان ۱ مهر) در کیهان در مهرماه ۶۴ نیز خبری تحت عنوان زیر جلب نظر میکند : "علمی نامه ها به

نخست وزیر و شرکت و احداث آموزش و پرورش منطقه ۷ بعلمت تخلیه چند مدرسه خواستار واگذاری اتوبوسهای اسقاطی برای تشکیل کلاس شد .
 و در ادامه خبر میخوانیم برآرفع کمبود جاب بسیاری از مدارس ۲ نوبته و ۳ نوبته باید کار کنند ، همچنین ، اتوبوسهای و طبقه که در هر یک میتوان در کلاس تشکیل داد ، نیز باید مورد استفاده قرار گیرد !
 در رابطه با تخلیه مدارس استجاری در کیهان ۱۲ شهریور از تخلیه ۶۳ مدرسه دیگر که شامل ۲۳ هزار دانش آموز بود ه اند ، مطلع میشویم ، خانواده های بسیا ری معترض و نگران این اوضاع و احوالند و در این میان مسئولین مربوطه باز و بند های پشت پرده و سررصدای زیاد سعی میکنند منحرف کردن افکار عمومی از ریشه اصلی مشکلات موجود ، علل کمبود مدارس را متوجه مالکان مدارس استجاری نمود ه و آنان را مقصر اصلی جلوه دهند .

و یا لاخره خیراد روزنامه های رنگارنگ رژیم در کنار تبلیغات وسیعی که برای "هفته بسیج" برپا شد بود ، توسط مسئول بسیج سپاه پاسداران ضمن تأیید و تشویق حضور دانش آموزان در رجه ه های جنگ ، خبر ترتیب کلاسهای درس در رجه ه ها و شش جبهه ها اعلام میگردد . محمد علی رحمانی (مسئول بسیج سپاه پاسداران) در این رابطه می افزاید : "از طریق برنامه هایی که از سال آیند ه به اجرا گذاشته میشود ، دانش آموزان دبیرستانها ، از سال سوم راهنمایی تحت آموزش نظامی قرار میگیرند . . ."
 در نتیجه خوبی روشن است که تحت رژیم ضد فرهنگ ، ضد دموکراتیک و ضد مردمی جمهوری اسلامی و اوضاع و احوال اسفناک کنونی آموزش و پرورش باید انتظار عواقب و عوارض در ناکترو وحشتناکتری را نیز داشته باشیم که نه تنها سیر نزولی کیفیت آموزشی و افت تحصیلی "نتیجه طبیعی آنست ، بلکه روز به روز بیشتر شاهد عقب گرد و نابودی فرهنگی در کشورمان خواهیم بود . □

سیستم آموزشی و

وضع اسفبار دانش آموزان ایران

اخیرا روزنامه اطلاعات بد رج یکسری گزارشاتى تحت عنوان " کند وکاوى در علل و عوامل "افت تحصیلى" مبادرت ورزید. این سلسله گزارشات از آن جهت که در بردارنده و منعکن کنند هکوشه‌هاى از اوضاع اسفبار آموزش و پرورش و حاوی نمونه‌هاى بسیار مملو از واقعیات کنونی مدارس ایران است ، قابل توجه میباشد. در طى مقالاتى که در شماره متوالى از تاریخ ۳۰ آبانماه ۶۴ به ترتیب درج گردید، گزارشگر " اطلاعات با شرح سوالات مختلفى از قبیل: "افت تحصیلى چیست؟ در چه عواملی ریشه دارد؟ چه عواملی میتواند داشته باشد و سرانجام اگر "افت تحصیلى" وجود دارد، راه درمان آن چیست و چه باید کرد؟" و بردن این

سوالات در بین معلمان ، دبیران و دانش آموزان و درج پاسخها و نظرات گوناگون و نتیجه‌گیری از آنها ، سعی نمود هاست در قالب فردى باصطلاح در لسوز ، نقض دایه مهربانتر از ماد را ایفاء نماید و برای "دربان" این "پدید مخرنك" و "عواقب تلخ و دردناك" آن در صدد "چاره‌جویى" برآید. خلاصه‌هاى از نظرات مطرح شد هرا منعکن می نمائیم :
 کمسوادى در بین دانش آموزان و نوجوانان در مقاطع مختلف تحصیلى وحشتناك است. سطح میزان معلومات دانش آموزان ، حتى پذیرفته‌شده‌گان در دانشگاه بسیار پایین بود هود رموار در زیادى آنان نقصهاى بسیارى از رشته‌هاى علوم از معلومات پایه‌هاى بنی بهره‌اند ، بلکه از

ادبیات فارسى و حتى زبان مادری خویش نیز اطلاع كافی نندارند. بطور کلی تمامى دبیران و معلمین که در گفتگوها شرکت داشته‌اند در این مورد متفق القول بود هود بوجود "افت تحصیلى" صحه میگذارند. و دل‌پر خونی از این امر دارند و اکثر اربابان میکنند که این امر نسبت به سالهاى گذشته و تفاوت بسیار قابل ملاحظه‌هاى داشته و احتمالاً سال بسال هم بدتر خواهد شد. یکی از دبیران در این مورد ابراز میکند :
 در زمانك اینست که در این میان هر کس گساره را متوجه یگى می‌داند . راهنمایى ، دستا را مقصرى شناسد ، دبیرستان گناه را متوجه راهنمایى میکند و کمتر کسی به فکر ریشه‌یابى بقیه در صفحه ۲۲

دیدار نخست وزیر سوریه از تهران

يك هیات سورى متشکل از عبد الرئوف الكسیم نخست وزیر سوریه ، فاروق الشرع وزیر امور خارجه و وزیر اقتصادى و تجارى آن کشور در تاریخ ۱۰ آذر وارد تهران شد . از زمان روی کار آمدن رژیم جمهرى اسلامى این بلند پایه‌ترین هیئت سوریه‌اى بود که از ایران دیدن کرد هاست .
 فاروق الشرع هدف از سفر این هیات به ایران را گسترش و استحکام بخشیدن روابط و سطح مناسبات در جانبه ایران و سوریه خواند . و خاطرنشان ساخت که اجلاس آیند سه جانبه وزران خارجه ایران و سوریه و لیبى نیز در پایان همین ماه در

طرابلس برگزار خواهد شد .

هیات سورى در طى اقامت ۳ روزه خود در تهران ملاقات و مذاکراتى با خا منه‌هاى ، رفسنجانى ، موسوى ، ولائیتى و . . . داشت . تحویل نفت مجانى به سوریه ، توسعه روابط اقتصادى و کشور ، مسائل لبنان و جنگ ایران و عراق از مسائل عمد ههاى بود که مورد گفتگوی طرفین قرار گرفت در طى دیدار عبد الرئوف الكسیم نخست وزیر سوریه با خا منه‌هاى ، برای اولیسن بار خا منه‌هاى به‌نقش اصلی سوریه در مسئله لبنان اشاره کرد و گفت :
 " از قول من به حافظ اسد رئیس جمهر

سوریه بگوئید که ما در بین کشورهای خط مقدم مبارزه با اسرائیل جز شما کسی را نمی شناسیم " در پایان سفر این هیات ، مقامات سورى و سران رژیم ضمن امضاء پروتکل مبادلات تجارى و اقتصادى ، بیانیه مشتركى نیز صادر کردند که در آن هرد و کشور همبستگی کامل خود را با کشور لیبى اعلام کردند .
 همچنین در بیانیه فوق سوریه با محکوم نمودن عراق در جنگ بار دیگر حمایت خود از جمهرى اسلامى تاکید نمود .
 لایحه مباد آوری است که در دیدارى که بین ولائیتى و حافظ اسد در ۲۶ آبان در دمشق صورت گرفت حافظ اسد نیز با اشاره به تضاد هاى همه جانبه سوریه با دولت عراق خاطرنشان ساخت هود که هیچ راهى برای آشتى با دولت عراقى وجود ندارد .